

بقیه مطالب این شماره :

- صفحه ۶ بسوی يك گروه بندی جديد در خاور میانه
- صفحه ۶ در باره وقایع اندونزی
- صفحه ۸ رویانها و تفسیرها

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

پیروزی باد پیکار عادلانه خلق قهرمان ویتنام

ویتنام مظهر قهرمانی ملل مبارز راه آزادی

خلق ویتنام با شجاعتی درخورد ستایش جهانی به پیکار عادلانه علیه مهاجمین امریکائی و هندستان سابقه‌گونی آنها ادامه میدهد و در این نبرد حیات و مملکت ضربات جاتانه ای بر متجاوزین وارد میسازد.

اعلامیه

کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره فعالیت گروه انشعابی

جریان امر

از مدتی پیش و در تحت تأثیر تبلیغات ایدئولوژیک و فعالیت انشعابی رهبران حزب کمونیست چین دو تن از اعضای سابق کمیته مرکزی حزب توده ایران (رفقا احمد قاسمی، دکتر غلامحسین فروتن) و یک تن از اعضای مشاور (رفیق عباس سغائی) آغاز مخالفت با مشی حزب در مسائل بین المللی و ایران را گذاشتند. تاریخ حزب نشان میدهد که این افراد در حزب سوابق خط مشی چپ روانه و سکنارستی داشته اند و گرویدن آنها به شوه های دکماتیک و تفسیر خاص چپ روانه ای که رهبران چین از اصول مارکسیسم-لنینیسم میکنند و پیروی آنها از روش تعمیق اختلاف در نهضت کمونیستی و کارگری جهانی که از طرف رهبران حزب کمونیست چین با شدت دنبال میشود نتیجه منطقی همین خط مشی است. تا قبل از پلنوم دهم در مسائل مربوط به جنبش کمونیستی و کارگری و استراتژی و تاکتیک جهانی این جنبش اتفاق نظر بود و رفقای سه گانه کلیه اسناد، قطعنامه ها و تصمیمات مربوط را تأیید میکردند.

در پلنوم دهم کمیته مرکزی رفیق احمد قاسمی در عین موافقت با کلیه مواد قطعنامه مربوط به روش هیئت نمایندگی ما در کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی ب ماده مربوط به تقبیح روش غیر اصولی حزب کار آلبانی رأی ممتنع داد. البته در این پلنوم رفقا دکتر غلامحسین فروتن و عباس سغائی قطعنامه مورد بحث را کاملاً تأیید کردند، ولی پس از پلنوم دهم علاوه بر قاسمی ابتداء کتر فروتن و سپس تدریجاً سغائی راه تأیید خط مشی رهبران چین را در پیش گرفتند و میکوشیدند تا در جریان کار تبلیغاتی و ایدئولوژیک حزب در جهت نظر خود تأثیر کنند و تا حدودی موجب اشکال در امور عادی حزبی میشدند. وقتیکه بوروی کمیته مرکزی نظر همه اعضای کمیته مرکزی و مشاورین را در باره مسائل مورد اختلاف در نهضت خواست رفقا قاسمی و فروتن و سغائی در جوابهای خود کاملاً از مواضع رهبری حزب کمونیست چین دفاع کردند. فقط عباس سغائی در مسئله تقبیح کیش شخصیت استالین روش حزب را تأیید کرد، ولی در بقیه مسائل موضوع او ماهیتاً با موضوع احمد قاسمی و دکتر غلامحسین فروتن یکی بود. در پلنوم یازدهم این رفقا علیرغم توضیحات عدیده که در گزارش پورو در باره نادرستی خط مشی آنها داده شده بود و علیرغم تذکرات و توضیحات مکرر اعضای پلنوم، در مشی نادرست خود باقی ماندند و حاضر نشدند از آن انصراف پیدا کنند. پلنوم بهمین مناسبت و بر اساس این استدلال که همزیستی دو خط مشی متفاوت در داخل کمیته مرکزی یک حزب طراز نوین با وحدت اراده و عمل که یکی از اصول مسلمة جنبش آزادی است مغایرت دارد رفقا قاسمی و فروتن را از عضویت کمیته مرکزی معاف کرد و از لحاظ ابراز نرزش تغییری در مقام سازمانی رفیق سغائی نداد. رفیق سغائی علیرغم نرزشی که پلنوم بوی نشان داد جلسه پلنوم را با تقدیم یک نامه معترضانه به هیئت رئیسه پلنوم ترک گفت و بدین ترتیب همسنگی بقیه در صفحه ۲

امپریالیسم امریکا زبده واحد زبونی امپریالیسم های ارتش خود را بمیدان امریکا کارزار ویتنام کسبل میدارند. در جریان سال گذشته عدّه نفرات این واحد ها بمیزان زیادی فزونی یافت. انواع تازه ای از سلاحهای تخریبی و کشتار جمعی و از جمله نابلام و بمبهای شغری و مواد شیمیائی و گازهای سمی بکار رفت. پلها و جاده ها، بستر رودخانه ها، مؤسسات دولتی، مزارع، مدارس، بیمارستانها و غیره در خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام امواج بمبهای امریکائی قرار گرفت. ولی ددمنشی ها نتوانسته است امریکا را حتی یک گام بمقصد نهائی اش در ویتنام نزدیک تر کند. واحد های متجاوزین در طول سال گذشته به پیچوجه نتوانستند مناطقی تحت کنترل خود را وسعت دهند. و اکثر زمین منضم ثابت بیهذگی تلاطمهای امریکا برای احراز پیروزی در جنگ کثیف علیه خلق ویتنام میشود. میکسال پس از توسعه روز افزون عملیات جنگی تا ویت کسکل اکنون منطقه ای وسیعتر از سال گذشته تحت کنترل خود دارد. ما اکنون تفوق نظامی قاطع نداریم و دورنمای جنبش قهرمی برای آینده هم وجود ندارد. در سال ۱۹۶۵ بارترینها و ارتش منظم چپه ملی آزادی ویتنام واحدهای بزرگی از نیروهای متجاوزین را نابود کردند. از اوت ۱۹۶۴ تا اواخر ۱۹۶۵ بیش از ۸۰۰ هواپیمای امریکائی با شلیک آتشبارهای قذووانی مجاهدان ویتنام در شمال و جنوب کشور سرنگون شد. مردم ویتنام با ابراز قهرمانی و ثابت قدم در پیکار علیه متجاوزین امریکا بار دیگر این حقیقت را تأیید میکنند که وقتی ملتی عزم راسخ دارد در قبال تجاوز بیگانه با تمام قوا برای آزادی و استقلال مبارزه کند شکست ناپذیر است.

درسی از اتحاد

عقب نشیمی جلادان ثمره مبارزات متحدانه نیروهای ملی

و دموکراتیک است

مجاهد غیر قانونی مهمترین حادثه کاخ مردم پایان یافت. افراد بیگانه جدیدی به پشت میله های زندان فرستاده شدند. مردم ایران و جهان بار دیگر ناظر دوگونی نیروهای ملی و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران گردیدند. اینک نوبت جمع بندی تجارب برای درس گرفتن در مبارزات آینده است. نخست باید دید که رژیم چه میخواست و بچه نتایج رسید؟ رژیم میخواست بیک تیر چندشان بزند: (۱) گردانندگان رژیم که نهواسته و پسا نتوانستند عاملین واقعی تیراندازی بشاه را پیدا کنند و بایستاده کرده ولی علمی نیکودانند (در این زمینه شایعات زیادی وجود دارد که حتی در جرایمی از قبیل لوموند نیز منتشر شده است) بطور ختم میبایست کسانی را باین اتهام محکوم کنند! چونت در تیزو اینصورت آن دستکام عظیم پاپسی که نتوانست جان شاه راحتی در کاخ خودش حفظ کند! اگر نتواند لااقل عاملین تیراندازی را بیابد بچه درد میخورد! (۲) کینه دیرینه شاه و چاکرانش بعدانشجویان و در این اواخر بوزیر بعدانشجویان خارج از کشور که در هر فرصت ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم گوی ایران را در برابر افکار عمومی جهان قاش کرده اند. زمینه ظاهراً مناسبی برای بروز پیدا کرد. دیکتاتور و جلادانش خواستند درس تیرتی بدانشجویان سرکش و ناراحت، و همه مخالفان رژیم بدهند. (۳) دشمنی اشقی ناپذیر بنا نیروهای مترقی ایران موجب شد که باز هم پای کمونیستها را بمیان بکشند و اتهامات و افتراات جدیدی به کمونیسم بزنند. (۴) رژیم میخواست طبق معمول خود قربانیان جدید خویش را هم در دادگاههای سررسته نظامی مجاکمه و محکوم کند و آنچه را خود میخواهد بخورد مردم ایران و جهان ببیند. ولی رژیم نتوانست باین هدفهای خود دست یابد. دادگاه اگر چه در ظاهر ولی بهتر حال شکل علمی بخود گرفت. برای نخستین بار ناظرین مستقل و بیطرف خارجی - نمایندگان مبارزان بین المللی عفو و انجمن سیاسی رسیدگی میکردند. شرکت کردند. جنبش بیسابقه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در دفاع از متهمین و فعالیت تبلیغاتی و سازمانی همه نیروهای مترقی و ملی توانست توجه محافل وسیع خارجی را بخود بکشد. بقیه در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

خود را با همفکران خود ابراز داشت. در دوران پس از پلنوم نه فقط فعالیت این رفقا تخفیف نیافت بلکه برآب و وسعت و شدید تر شد.

با آنکه پس از پلنوم یازدهم بوروی کمیته مرکزی از اقدامات غیر تشکیلاتی رفقا قاسمی و فروتن و سغائی (از قبیل تشکیل جلسات سری، ارتباطات مخفی با بعضی از افراد در مهاجرت و خارج از آن، اشاعه اخبار ناصحیح و یکجانبه و تحریک آمیز در باره تصمیمات پلنوم یازدهم چه در ملاقاتهای خصوصی و چه در ضمن مباحثه حوزه‌ها و مواضع بر اساس پلانقرم مشخص سکتاریستی و چپ روانه علیه مشی مصوب کمیته مرکزی) مطلع بود، از هیچ‌گونه نرمش و گذشتی بر پایه توصیه پلنوم یازدهم مبنی بر اقناع و دلالت این رفقا براه صحیح تشکیلاتی فروگذار نمود و کوشید که از لحاظ مادی و معنوی کوچکترین لطمه‌ای بر زندگی آنها وارد نشود.

نرمش و مراعات دست‌گام رهبری موجب آن نشد که این رفقا با حفظ قضاوت‌های خود لاقابل در چارچوب مراعات و احترام موازین و مقررات حزبی باقی بمانند و مصالح عالی حزب و حفظ وحدت آنرا در نظر گیرند بلکه فعالیت شدیدی را برای تدارک انشعاب از لحاظ ایده‌ای و سازمانی شروع کردند. این رفقا در عین حال کوشیدند اقدامات تدارک‌گویی خود را در زیر ساتری از تظاهرات دائر بر آنکه گویا میخواهند آنها را از کشور اقامت‌گاهشان بیرون کنند و تحویل پلیس ایران بدهند!! مخفی سازند. خود این افراد به نادرستی این انتسابات و قوف کامل داشته‌اند زیرا رهبری حزب در تماس با آنها و با اطلاع خود آنها برای تأمین شرایط عادی زندگی و کار آنها اقدام نمیکرده است و موازین برخورد و کمک رفیقانه را کاملاً در مد نظر داشته و مراعات مینموده است.

وقتی که رهبران حزب کمونیست چین تصمیم گرفتند از تاکنیک انتظار و تحریک وحدت در درون احزاب برادر بتاکنیک عمل جدا شدن ایده‌ای و سازمانی از این احزاب دست بزنند، رفقا قاسمی و فروتن و سغائی با اقدام انشعابی آشکار متوسل شدند و در تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۴۴ (۱۷ اکتبر ۱۹۶۵) طی نامه‌ای به اعضاء سه نفر خطاب به بوروی کمیته مرکزی اعلام داشتند:

«ما باین وسیله صریحاً اعلام میداریم که تصمیمات پلنوم یازدهم و از جمله اخراج دو تن از رفقای کمیته مرکزی و انتخاب شما سه نفر را بعنوان بوروی کمیته مرکزی مخدوش و از درجه اعتبار ساقط میدانیم. ما برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمانهای آن مبارزه خواهیم کرد.»

شایان ذکر است که تا قبل از این تاریخ رفقای سه گانه، بوروی کمیته مرکزی را قبول داشتند و کلیه امور خود را شفاهاً و کتیباً بوی مراجعه میکردند. کوشش بوروی کمیته مرکزی پس از دریافت نامه ۱۵ مهرماه ۱۳۴۴ برای دعوت این رفقا به مراعات انضباط حزبی و پیشنهاد بوروی طی دو نامه بفرود رفقای سه گانه برای اخذ تماس با آنها بلاجواب ماند. در این مدت دو اعلامیه یکی بدون امضاء تحت عنوان «نامه سرگشاده عده‌ای از اعضاء حزب توده ایران خطاب بتمام رفقای حزبی در باره تجدید سازمان و احیاء فعالیت انقلابی طبقه کارگر ایران» و دیگری با امضاء رفقا قاسمی، فروتن و سغائی تحت عنوان «انقلاب قهرآمیز راه‌راهائی خلقهای ایران است» (که

در عین حال اعلامیه اخیر دارای دو تاریخ تیر و شهریور ماه ۱۳۴۴ است) منتشر گردید. با اینکه اعلامیه اول فاقد امضاء است شباهت کامل مضمون آن با اعلامیه دوم و با نامه ۱۵ مهرماه ۱۳۴۴ رفقای سه گانه تردیدی باقی نمیگذارد که نویسندگان اعلامیه اول نیز همین رفقا هستند. در هر دوی این اعلامیه‌ها پس از حلات شدید برهبری حزب توده ایران افراد حزب تحت عنوان «برافراشتن پرچم آرمانهای طبقه کارگر ایران» بانشعاب دعوت شده‌اند و در اعلامیه دوم وعده داده شده است که خط مشی سیاسی و سازمانی حزب نو بنیاد بوسیله رفقای سه گانه در دست تدارک است و بزودی نشر خواهد یافت.

مقارن این ایام رفقای سه گانه در نزد مقامات دولتی کشور اقامت‌گاه خود برای خروج از این کشور و رفتن به نقطه دیگر اقدام کردند. بدیهی است که حزب ما با خروج این رفقا از لحاظ مسئولیتی که در مورد امنیت

آنها داشت نمیتوانست موافقت کند ولی در عین حال نه حزب و نه مقامات یک کشور سوسیالیستی بهیچوجه طرفدار اقامت اجباری احدی در محلی بنوده و نیستند. از آنجا که این رفقا حزب را متهم کرده بودند که گویا میخواهد آنها را از کشور اقامت‌گاهشان خارج سازد و تحویل دشمن بدهد (!) برای آنکه این اتهام فبیح وارد نشود، حزب در عین اعلام موافقت خود با خروج این افراد متذکر شد که آنها داوطلبانه بودن این خروج را تصریح کنند. ولی دو تن از آنان (رفقا فروتن و سغائی) بدون اطلاع مقامات حزبی و مقامات دولتی کشور اقامت‌گاه از طریق دیگری که بر ما معلوم نیست خارج شدند. این طرز عمل که هیچ بهانه‌ای نمیتواند آنرا توجیه کند نشانه آنست که چقدر این رفقا در موضع گیری خود علیه حزب توده ایران و کشور سوسیالیستی اقامت‌گاه خود حتی علیرغم موازین عادی نزاکت و حق شناسی دور رفته‌اند.

بوروی کمیته مرکزی پس از آنکه اقدامات مکررش برای اخذ تماس با این رفقا بلاجواب ماند و پس از آشنائی با اسناد و اعلامیه‌های منتشره از طرف این رفقا باین نتیجه رسید که هر گونه اقدامی برای حفظ آنان در صفوف حزب بیفایده است زیرا آنها اجازه رهنمود صادره از طرف پکن دائر بجدائی سازمانی و ایده‌ای از حزب را بر هر قاعده و میزان دیگری ترجیح میدهند. بوروی کمیته مرکزی در برابر این وضع بنا بمسئولیت سیاسی و سازمانی خود مبادرت با اتخاذ تصمیمات زیرین نمود:

۱- بوروی کمیته مرکزی اعلام متفق رفقا احمد قاسمی، دکتر غلامحسین فروتن و عباس سغائی را دائر عدم قبول کلیه تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی، عمل غیر تشکیلاتی و تخلف صریح از وظایف سازمانی اعضاء حزب مصرح در بند های الف، ب، ه، ز و ح ماده ۹ اساسنامه حزب توده ایران میشمرد.

۲- بوروی کمیته مرکزی اعلام متفق رفقای مزبور را دائر باینکه خط مشی و تصمیمات کمیته مرکزی حزب را نمی‌پذیرند و خود رأساً برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمانهای آن مبارزه خواهند کرد بمثابه موضعی ضد تشکیلاتی، انشعاب طلبانه و مضر بوحدت و مصالح حزب توده ایران محکوم مینماید.

۳- بوروی کمیته مرکزی اقدامات ذیل: داشتن پلانقرم و خط مشی سیاسی بر خلاف خط مشی و تاکتیک کمیته مرکزی، تشکیل جلسات سری سه نفری، کوشش در ایجاد ارتباطات مخفی با برخی از افراد حزب برای جلب آنها بموضع چپ روانه و ضد تشکیلاتی خود، اشاعه اخبار ناصحیح و تحریک آمیز در باره تصمیمات پلنوم یازدهم و رهبری حزب، تکثیر و پخش اوراق و نامه‌ها بین اعضاء حزب را بمقابله اعمال فراکسیون و ضد سازمانی محکوم میکند.

۴- بوروی کمیته مرکزی مجموع اعمال این افراد را مواضع علیه موجودیت حزب توده ایران و وحدت سازمانی آن میشمرد زیرا عدم قبول خط مشی مصوب کمیته مرکزی و فعالیت سیاسی و سازمانی در وراء تصمیمات رهبری حزب جز اعلام تشکیلاتی جدا گانه‌ای با خط مشی و سیاستی غیر از سیاست و خط مشی رسمی حزب معنی دیگری نمیتواند داشته باشد و اقدامات گروهی و انشعاب طلبانه نیز مفهوم دیگری غیر از این ندارد. حفظ نام حزبی توده ایران و اعلام مبارزه در راه سنن انقلابی و پیروزی آرمانهای آن فقط تشبیه به منظور پوشاندن ماهیت فراکسیونی و انشعاب گرانه این اقدامات است و پس بنا بر مراتب فوق بوروی کمیته مرکزی طبق ماده ۷ اساسنامه حزب مقرر میدارد:

الف - احمد قاسمی و غلامحسین فروتن از حزب توده ایران اخراج شده اعلام گردند.

ب - عباس سغائی از عضویت مشاور کمیته مرکزی و عضویت در حزب تا تصمیم نهائی پلنوم کمیته مرکزی معوق اعلام شود.

ج - تصمیم بوروی کمیته مرکزی بانسحاب افراد نامبرده و باطالع کلیه سازمانهای حزبی برسد.

د - بوروی کمیته مرکزی جریان امر را مشروحاً به پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی گزارش نماید.

انشعابون علیرغم گفته‌های سابق خود عمل میکنند

در نامه‌هایی که بوروی کمیته مرکزی برای اقتناع قاسمی و فروتن و سغائی در تاریخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۴۴ با آنها نوشته است تناقض بین عمل انشعابی آنها با نوشته‌ها و گفته‌های گذشته خود این افراد تصریح شده است. ما سودمند میدانیم بخشهایی از نامه بوروی کمیته مرکزی را برای اطلاع و قضاوت همه رفقای حزبی نقل کنیم.

بوروی کمیته مرکزی در نامه خود خطاب به رفیق احمد قاسمی چنین مینویسد:

«موضعی که اختیار نموده‌اید غیر تشکیلاتی است زیرا بر خلاف اصول مصرحه در اساسنامه حزب توده ایران است که خود نیز در تنظیم

بقیه از صفحه ۲ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

و تصویب آن شرکت داشته اید. روشی که شما در نامه خود اعلام میدارید از جمله با بند های زیرین از ماده ۴ اساسنامه که ضمن آنها وظائف عضو حزب بر شمرده میشود منافات دارد:

«عضو حزب موظف است: الف - در راه حفظ وحدت حزب که شرط اصلی نیرو و بقای آنست با تمام قوا بکوشد. ب - انضباط حزبی را که برای عموم اعضاء حزب یکسانست مراعات نماید. ه - مبلغ مرام و سیاست و خط مشی حزب باشد و برای تحقق آن مبارزه کند. ز - از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن باشد بپرهیزد و سعی کند تا در زندگی خصوصی و اجتماعی رفتارش نمونه باشد.»

اینکه مینویسید تمام تصمیمات پلنوم یازدهم کمیته مرکزی و از جمله انتخاب بوروی کمیته مرکزی را مخدوش و از درجه اعتبار ساقط میدانید در واقع بمعنای عدم قبول رهبری حزب توده ایران واصل مرکزیت دموکراتیک است که در ماده ۹ اساسنامه حزب مبنای سازمانی حزب توده ایران تلقی شده و «رعایت انضباط حزبی، اجرای دستورات و تصمیمات حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت» بمثابة یکی از نکات اساسی آن اعلام گردیده است.

شما خودتان ضمن مقاله ای که در شماره ۲ از سال دوم مجله دین (تابستان ۱۳۴۰) تحت عنوان «در زیر پرچم حزب توده ایران» در افشاء کتاب تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران، نگاشته اید بدستوری این نکته را متذکر میشوید که:

«اینک بیش از هر زمان احساس میشود که کوبیدن رهبری با کوبیدن آثار وجودی حزب توده ایران برابر است. هر چنانچه نقطه ای بدیهی است که توجه مخالفان و دشمنان حزب توده بیش از همه بر روی رهبری متمرکز میگردد.»

و نیز در جای دیگر همان مقاله نوشته اید:

«رهبری حزب توده ایران نفی حزب توده ایران است. این دفاع از این و آن نیست، دفاع از ارگانی است که ناگزیر و بهر تقدیر این وظیفه بر عهده او، و فقط او، گذاشته شده است. ممکن است بعضی از رقای حزبی و یا بعضی از دوستان حزب توده ایران باین واقعیت توجه نداشته باشند و تحت تأثیر علاقه صمیمانه ای که بسرنوشت حزب دارند به نتیجه گیریهای شتابزده ای دست بزنند. ولی دشمنان آگاه طبقه کارگر، آنهایی که با اشارات امپریالیسم رهبری میشوند، باین واقعیت توجه کامل دارند و از همه طرف رهبری حزب توده ایران را میکوبند تا سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران را کوبیده باشند.»

بزحمت میتوان باور کرد که نویسنده این عبارات و دارنده این نظریات درست همان کسی باشد که نامه ۱۷ اکتبر ۱۹۶۵ را امضاء نموده و در آن نه تنها تصمیمات رهبری حزب را از کمیته مرکزی گرفته تا بوروی منتخب آن مخدوش و غیر قابل قبول دانسته است بلکه رسماً اعلام نموده که خود رأساً «برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمانهای آن» مبارزه خواهد کرد.

جنبه فراقسبونی و انشعاب طلبانه چنین موضعی آشکار است زیرا اگر کسانی از یکطرف رهبری حزب و خط مشی و تصمیمات آنرا قبول نداشته باشند و از طرف دیگر اعلام کنند که خود رأساً بافتاق چند نفر دیگر «برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمانهای آن» مبارزه خواهند کرد جز این معنایی ندارد و نمیتوان داشته باشد که میخواستند سازمانی جداگانه بوجود آورند و آنچه را که خود خط مشی صحیح میدانگذاشتند بوسیله آن گروه یا آن سازمان بمرز اجرا درآورند. در واقع اقدامات گروهی و انشعاب طلبانه مفهوم دیگری غیر از این ندارد و حفظ نام حزب توده ایران هم بوسیله گروه یا سازمانی تنها جنبه تاکتیکی دارد و صرفاً بمنظور استفاده از احترام و عواطفی است که بحق مردم ایران نسبت بحزب ما داشته و دارند و در وراه آن هیچگونه سازمان سیاسی دیگری را برای طبقه کارگر کشور ما نمیدانند.

بهتر است باز در این مورد بجای استدلال دیگر از خود شما نقل قولی بیاوریم. شما ضمن مقاله ای که در مجله مسائل حزبی شماره ۷ (خرداد ماه ۱۳۳۸) تحت عنوان مبارزه جائز و غیر جائز، نوشته اید بدستوری رقای دیگر حزبی را از گرایش بطرف مبارزات انفرادی یا جمعی خارج از تشکیلات رسمی حزب بر حذر میدارید و مینویسید:

«هر مبارزه حزبی باید از مجرای ارگانیک حزب صورت گیرد. از طریق حوزه ها، کنفرانسها، پلنومها و کنگره ها. زیرا که محتوی حزب مارکسیستی - لنینیستی عبارتست از تشکل ایدئولوژیک و سازمانی پیشاهنگان طبقه کارگر و هر شکل مبارزه که تشکل حزبی را ننهد بگریزد و بآن صلحه بوساند ناقض محتوی است و بنا بر این مردود و محکوم است.»

سپس در دنبال همین استدلال از این نقل قول میکشید و مینویسید:

«لنین در باره حزب سوسیال دموکرات روسیه میگوید که پس از آنکه این حزب سرتاسری روسیه بوجود آمد باید ارتباط جدیدی مبتنی بر این نام رسمی حزب در بین اعضاء بوجود آید. لنین با توجه به بدگمانیها و سوء تفاهات متصوره بین اعضاء حزب میگوید که در چنین حزبی دمن مواضع که برای

اظهار بی اعتمادی و برای عملی ساختن نظریات و متویاتی که از این بی اعتمادی ناشی میشود از همان راهی که رسماً تجویز شده است اقدام کنیم، (جلد هفتم، صفحه ۳۱۲) و اضافه میکند که:

«وقتی که من عضو حزب شدم حق ندارم فقط به بی اعتمادی مبهم خود استناد جویم زیرا که اینگونه استناد راه را برای هرگونه خودسری و هرگونه خود کفاری محفل بازبهای سابق باز میکند، (جلد هفتم صفحه ۳۱۳). این گفتار لنین درباره کلیه احزاب مارکسیستی و کلیه اعضاء آنها صادق است.»

شما خود در این مقاله بدستوری برخی از حوزه ها و افراد حزبی را که در آنهنگام «نظریات خود را بصورت بخشنامه برای سایر حوزه ها و افراد حزبی» میفرستادند مورد سرزنش و انتقاد قرار داده و مینویسید:

«شاید این رفتار توجه نداشتند که استعمار در این شیوه درحکم ندیده گرفتن سازمان حزب و ایجاد ارگانیک تازه ای در کنار ارگانیک حزب است. این رفتار نظریات خود را از چنان طریق بجهت بجهت میفرستادند و نظریات دیگران را از چنان طریق دریافت میکنند که طریق حزبی نیست. اگر این شیوه تعمیم یابد هر حوزه و حتی هر فرد حزبی بصورت مرکزی درمیآید که مستقل از ارگانیک حزب وجود دارد و مستقل از مرکز حزب تصمیم میگیرد. تعمیم این شیوه درحقیقت موجب ایجاد مراکز متنوع و متعددی است که وجود آنها بامر مرکزیت حزب منافات دارد. تعمیم این شکل موجب تفرقه سازمانی است.»

آنگاه شگفت آور است که خود شما نسخه هائی از نامه ۱۷ اکتبر خود را در همان زمان که بدیبرخانه حزب میفرستید برای عده دیگری از اعضاء حزب نیز ارسال میدارید و معلوم نیست چگونه میتوانید آنرا بشما یک اقدام حزبی توجیه نماید. تردیدی نیست که مجموع این قبیل اقدامات همچنانکه خود استدلال کرده اید در جهت تفرقه سازمانی، در جهت لطمه وارد آوردن بوحدت حزب و منافی با مصالح واقعی حزب توده ایران است.

شاید در مورد اعمال اصول و موازین حزبی بین خود و سایر اعضاء حزب تفاوتی قائلید و معتقدید که رعایت این اصول فقط وظیفه دیگران است و شما از آن مستثنی هستید یا اینکه تصور میکنید اجراء این قواعد اصول برحسب اینکه شخص در رهبری حزب عضویت داشته باشد و یا بدلائلی در آن شرکت نداشته باشد تفاوت پیدا میکند و تصمیم پلنوم یازدهم مبنی بر آزاد ساختن شما از عضویت کمیته مرکزی شما چنین حقی را داده است که اصول و موازین سازمانی را مراعات نکنید. اگر احتمالاً چنین توجیها تا صحیحی در ذهن شما رخنه کرده باشد، ما وظیفه خود میدانیم که از شما توقع شبهه کنیم و شما پیشنهاد میکنیم برای اینکه نادرستی این نظریات برای شما معلوم شود لاقلاً آنچه خود بهنگام شرکت در رهبری حزب مکرراً نوشته و اظهار نظر کرده اید مراجعه نماید و اندیشه های کنونی خود را بانظریات گذشته خوش بسنجید و از آن نتیجه صحیح حزبی استنتاج نماید.»

بوروی کمیته مرکزی در نامه خود خطاب برقیق د کتر غلامحسین فروتن چنین مینویسد:

«شما خودتان ضمن مقاله ای که در شماره ۷ مجله مسائل حزبی تحت عنوان «مرم ترین وظیفه حزب ما تأمین وحدت است» نوشته اید بدستوری این نکته را متذکر میشوید که:

«واقعیت موجود اینست که حزب ما نه تنها دچار شکست شده بلکه در برابر دشمنی قرار گرفته که با اعمال کایه طرق فاشیستی از تمام وسائل که در اختیار دارد و برای جلوگیری از احیاء مجددان استفاده میکند. هر اندازه عوارض اعتلاء نفیضت در ایران نزدیک میشود مبارزه ارتجاع با حزب ما که تنها نیروی سازمان دهنده توده های زحمتکش است شدت خواهد یافت. برای مقابله با این دشمن یک سازمان متشکل بیکارچه لازمست که در آن از صدر تا ذیل وحدت کامل و انضباط آهنین حکمفرما باشد. وحدت اراده و عمل تنها ضامن پیروزی پرولتاریا و پیشاهنگ آنست. نیروی حزب در تحقق اصل ساترنالیسم دموکراتیک، در طرد هر گونه فعالیت فراقسبونی و پرهیز از هرگونه تمایلات گروهی است. نمونه های تشنت فکری، مظاهر فعالیتهای فراقسبونی، تمایلات گروهی، عدم مراعات اصل تبعیت اقلیت از اکثریت که در حزب ما بچشم میخورد وحدت حزب ما را برهم میزند و آنرا در برابر دشمنی که از هرسو بجذب ما وحشیانه حمله میکند ضعیف و ناتوان میسازد. وحدت حزب در وحدت ایدئولوژی (برنامه و تاکتیک) و وحدت سازمانی یا عبارت دیگر در وحدت اراده و عمل است. وحدت در مسائل برنامه و تاکتیک شرط لازم برای وحدت حزب و تمرکز سازمان حزبی است ولی این وحدت به تنهایی کافی برای تأمین وحدت حزب نیست. برای تمرکز سازمانی یعنی وحدت عمل، وحدت سازمانی نیز ضروری است. وحدت سازمانی بدون قبول اساسنامه حزبی بدون تبعیت اقلیت از اکثریت بدون تابعیت جزه از کل امکان ندارد.»

سپس در همین مقاله از اعضاء حزب سئوال میکنید:

«آیا ادامه این وضع که امکان مقابله با دشمن را از ما میگیرد و فرصتهای گرانبهای را از کف ما میریاید در جهت خواست و تمایلات دشمنان فیهضت نیست؟ یکی از تاکتیک های دشمن در مبارزه با حزب ما بر هم زدن وحدت حزب و ایجاد تفرقه در صفوف آنست. آیا ما با ادامه تفرقه کنونی و تشدید آن به تحقق تاکتیک دشمن کمک نمیکنیم؟ بدون شک پاسخ این سئوالها

غولانی که بر صنایع ایران حکم را می‌شوند

در خرداد ماه سال جاری پس از انتشار ترازنامه سال ۱۳۴۳ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مجله «تهران اکونومیست» نوشت: «هفته گذشته مطلبی درباره موفقیت‌های جالب غول اقتصادی ایران که همان بانک ملی ایران است نوشتیم. پنجشنبه گذشته ترازنامه یک غول دیگر که باید آنرا غول صنعتی ایران نامید با تحسین فراوان مجمع عمومی گذشت و آن ترازنامه بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران است که یک بانک مختلط بین المللی است و قدرت مالی آن از منابع داخلی و خارجی بیش از ۴۸۳ میلیون تومان است. تازه در مواقع لازم می‌تواند وجوه زیادتری تهیه نماید و به صنایع جدید یا بودجه کشور کمک نماید.»

ما این شاهد را برای آن آوردیم تا نقش بانک توسعه صنعتی و معدنی را در اقتصاد ایران از قول یک مجله اقتصادی ذکر کرده باشیم. چنانکه ملاحظه می‌کنید این بانک مختلط بین المللی نه تنها با غول اقتصادی ایران، بانک ملی ایران مقایسه می‌شود و غول صنعتی ایران نام دارد، بلکه بانکی است که می‌تواند در مواقع لازم بودجه کشور هم کمک کند.

درواقع نیز نام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در این اواخر زیاد بگوش میرسد، بهر کجا که نظر افکنید رد پای این بانک را خواهید دید. در یکی دو ماه اخیر نام مؤسسه جدیدی هم مترادف با بانک توسعه صنعتی و معدنی برده می‌شود. و آن «مؤسسه توسعه صنایع» نام دارد. این دو مؤسسه که هر دو بنحوی با رشد صنایع در ایران مربوطند چگونه مؤسسه‌ای هستند و هدف آنها چیست؟

بانک توسعه صنعتی و معدنی را چه نبروهائی

اداره میکنند؟

سالیان دراز امپریالیستهای امریکا نقشه ایجاد بانکی را که بتواند اهرمهای صنعتی ایران را بتدریج قبضه نماید تهیه دیده بودند. اول مارس ۱۹۵۹ بین دولت ایران از طرفی و شرکت بانکی «برادران لازار» و بانک «چیز انترنشنال کوریریشن» متعلق برا کفلر از طرف دیگر قرار دادی بامضاء رسید که اجازه تأسیس چنین بانکی را با امپریالیستهای ج. آدامس یکی از سهامداران شرکت بانکی «برادران لازار» پس از امضاء قرارداد تأسیس بانک به مخبرین جرائد گفت: «بانک توسعه صنعتی و معدنی در مجموع خود بانکی است خصوصی که از سه منبع اعتبار دریافت خواهد داشت (امریکا، بانک بین المللی توسعه و ترمیم و دولت ایران)».

بدینترتیب در سال ۱۳۳۸ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که میبایست مجری شیوه‌های نوین استعمار در ایران گردد و به تکیه گاه انحصارهای امپریالیستی در ایران مبدل شود و مظهر استعمار جمعی در کشور باشد بوجود آمد. سرمایه اصلی بانک توسعه صنعتی و معدنی در آغاز تأسیس ۴۰۰ میلیون ریال بود (تا آخر سال ۱۳۴۳ سرمایه بانک تغییر نیافت، فقط در این سال سرمایه پرداخت شده اولیه ۱۰۸ میلیون ریال اضافه گردید). ۴۰ درصد سرمایه بانک متعلق به

۲۰ مؤسسه بانکی و سرمایه گذاری خارجی است که از آنجمله اند: ۴ مؤسسه امریکائی، ۲ مؤسسه هلندی، ۵ انگلیسی، ۳ ایتالیائی، ۲ آلمانی، یک بلژیکی و ۲ فرانسوی و غیره. ۶۰ درصد بقیه سرمایه بانک متعلق به سهامداران ایرانی است.

مجموع سهام خارجی بانک ۱۶۰ هزار است که ایالات متحده امریکا ۵۵ هزار سهم، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال و ایتالیا هر یک به ترتیب ۱۸۷۵۰ سهم، بلژیک و هلند هر کدام ۱۵ هزار سهم را صاحبند. یعنی از ۴۰ درصد سهام خارجی ۱۳۷۵ درصد در ایالات متحده امریکا، ۴۶۸ درصد در انگلستان، ۴۶۸ درصد در آلمان فدرال، ۴۶۸ درصد در ایتالیا، ۳۷۵ درصد در بلژیک و همان اندازه بهلند تعلق دارد. و اما سرمایه ایرانی به ۲۴۰ هزار سهام یکپهزارریالی تقسیم شده که بین یکپهزار و هفتصد نفر سهامدار کوچک و بزرگ ایرانی بفرش رفته است.

سرمایه ای که هم اکنون بانک توسعه صنعتی و معدنی در اختیار دارد بمراتب افزونتر از سرمایه اصلی صاحبان سهام است. بزرگترین رقم سرمایه جاری بانک را وامهائی که از طرف دولت ایران پرداخت گردیده تشکیل میدهد. بانک توسعه صنعتی و معدنی در نخستین روزهای تأسیس مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال، یعنی ۱۵ برابر سرمایه اصلی خود اعتبار از دولت ایران برای مدت ۳۰ سال دریافت نمود. هفته نامه بامشاد در شماره ۷۲ سال جاری خود در باره این وام نوشت که «در ۱۵ سال اول به آن بهره ای تعلق نمی‌گیرد، اما از ۱۵ سال دوم مقرر است که یک درصد بدولت بهره بدهد». بعدها سازمان برنامه دوبار دیگر بعنوان مختلفه مبلغ ۱۴۰۰ میلیون ریال اعتبار در اختیار بانک مذکور گذارد. و بالاخره در سال ۱۳۴۳ سازمان برنامه ۷۵۰ میلیون ریال دیگر باین بانک توسعه صنعتی و معدنی وام داد و بدینسان مجموع سرمایه دولت ایران که توسط این بانک بکار انداخته شده به ۲۷۵۰ میلیون ریال، یعنی به ۷ برابر سرمایه اصلی سهامداران داخلی و خارجی آن بالغ گردید. ولی گردانندگان بانک هنوز باینهم راضی نیستند و آقای مهندس شریف امامی رئیس هیئت مدیره بانک در گزارش سالیانه خود در خرداد ماه امسال گفت: «در حال حاضر برای تأمین وجوه جدید» با سازمان برنامه وارد مذاکره شده‌اند. علاوه بر دولت ایران، بانک بین المللی توسعه و ترمیم نیز دو فقره وام در اختیار بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران گذارده است. نخستین وام برابر ۵ میلیون و دویست هزار دلار در سال ۱۹۵۹ پرداخت شد. چندی پیش قرارداد دومین وام مبلغ ۱۰ میلیون دلار بین این بانک و بانک بین المللی توسعه و ترمیم بامضاء

رسید. جالب است که هر دوی این وامها را دولت ایران تضمین کرده است. در اساسنامه بانک گفته میشود که وظایف بانک عبارتست از ایجاد شرکت‌های سهامی تولید و عمرانی و صنعتی، انتشار سهام آنها و نگهداری بخشی از آن برای خود. در عین حال بانک توسعه صنعتی و معدنی اجازه دارد در مؤسسات و شرکت‌های صنعتی موجود نیز بدلبخواه سرمایه گذاری نماید. و این وضعی است استثنائی که از طرف دولت ایران باین مؤسسه مالی که از جانب انحصارهای خارجی کنترل میشود داده شده است. زیرا قانون مصوبه در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۳۴ سایر بانکهای خصوصی و مختلط را از حق مشابهی که تأمین کننده تسلط آنها بر اهرمهای صنعتی کشورست محروم میکند. بانک توسعه صنعتی و معدنی موظف است به مؤسسات صنعتی خصوصی و امهائی کوتاه مدت هم اعطاء نماید.

مؤسسين بانک از نخستین روز تأسیس برای پرده پوشی مقاصد نهائی خود بانواع «نظریه‌های» از قبیل «دموکراتیزه کردن» سرمایه و امثال آن متوسل گردیدند. مثلاً در اطلاعیه ای که بانک در سال ۱۳۳۸ منتشر ساخت گفته میشود که سهام ایرانی بانک با افرادی از هر رشته «یعنی کارگران و کار فرمایان، مستخدمین و سرمایه داران مؤسسات صنعتی و بانکی و افراد معمولی و بازرگانان فروخته شده است. در بین این عده تعداد خیلی زیادی که بعد ارقام آن تهیه و چاپ خواهد شد سهامداران یک سهمی و دو سهمی و غیره میباشد. سهامداران بانک در سراسر کشور پراکنده اند. از تبریز و شیراز و مشهد و آبادان و خرمشهر سهامداران بانک تا چندین سهم را مالک هستند».

گرچه مسئولین بانک تا امروز بوعده خود وفا نکرده و اسامی سهامداران خود را به تفصیل منتشر نساخته‌اند، با این وجود عده ای سهامدار یک سهمی و دو سهمی بین سهامداران عمده بانک منتفی نیست. و این خود مبین تسلط انحصارهای خارجی (که ۴۰ درصد سهام را در دست دارند) بر بانک و سیادت عده قلیلی از سهامداران ایرانی وابسته بامپریالیستها بر سهامداران کوچک میباشد.

ما در فوق سهامداران خارجی بانک را معرفی کردیم. برای اینکه تصویری در باره سهامداران عده ایرانی آن در دست باشد، اسامی عده‌ای از آنان را که در اداره بانک نیز نقشی دارند متذکر میشویم. اینان عبارتند از مهندس شریف امامی، ابولقاسم خردجو، آقاخان بختیار، عیسی کورس، حبیب ثابت، فرمانفرمائیان، خواجه نوری، مهندس هدایت، دکتر کرمانشاهی و غیره. اغلب سهامداران نامبرده یا مستقیماً خود مقامات عالی دولتی را

اشغال میکنند و یا خویشاوندان نزدیکشان در چنین مقاماتی هستند. مثلاً آقاخان بختیار یکی از مدیران عالی مقام شرکت ملی نفت است. مهندس شریف امامی علاوه بر ریاست مجلس سنا، مشاغل عدیده دیگر دولتی و غیر دولتی را نیز عهده دار میباشد. خانواده فرمانفرمائیان همیشه بر رأس مؤسسات بانکی و دولتی ایران بوده و امروز نیز یکی از آنان رئیس بانک اعتبارات صنعتی متعلق بسازمان برنامه است. و اما میلیونرهای چون عیسی کورس، حبیب ثابت و یا مدیر عامل کارخانجات روغن نباتی نرگس شیراز دکتر کرمانشاهی چی نیازی به معرفی ندارند. اینگونه سرمایه داران که سرمایه خود را با سرمایه های انحصاری امپریالیستی آمیخته و در واقع به آلتی برای رسوخ هر چه بیشتر سرمایه های انحصاری به ایران مبدل گردیده اند، هر گونه رنگ و خاصیت ملی را از دست داده اند.

تا اوایل سال جاری بانک نامبرده توسط هیئت مدیره ای مرکب از ۱۵ نفر که ۸ نفر آنها خارجی و ۷ نفرشان ایرانی بودند میشد. در سال جاری این ترکیب بسود سهامداران ایرانی تغییر یافت، یعنی ۸ نفر از سهامداران ایرانی و ۷ نفر از سهامداران خارجی به هیئت مدیره انتخاب گردیدند و علاوه بر این از یکسال پیش مدیر عامل بانک نیز «ایرانیزه» شد. البته تغییرات اخیر جز مانور بقصد پرده پوشی ماهیت فعالیت بانک چیزی نیست. مجله «تهران اکونومیست» در مورد این تعویضات بدستی نوشت: «مدتی قبل رؤسای بانک مرکزی ایران تصمیم گرفتند بانکهای دو رگه را «ایرانیزه» کنند. ولی برای این منظور اولین اقدامی را که مناسب تشخیص دادند ایرانی کردن مدیران بانکهای مختلط است. بانکهای دو رگه هم برای ارضای بانک مرکزی تصمیم گرفتند رؤسای خود را ظاهراً در صف دوم بنام مشاور و غیره بگذارند و ایرانیهای مورد اطمینان (!) پای خود بسمت مدیر عامل تعیین نمایند...»

چنانکه متذکر شدیم سازمان برنامه در دوران مختلفه مبلغی در حدود ۲۷۵۰ میلیون ریال سرمایه در اختیار بانک توسعه صنعتی و معدنی گذارده است. ولی سازمان مذکور در هیئت مدیره بانک شرکت نمیکند و فقط یک نفر ناظر دولت در بانک وجود دارد که نیز فاقد حق رأی است. آقای مهندس شریف امامی در گزارش خود به مجمع عمومی سالانه بانک در اینباره گفت: «سازمان برنامه با نهایت روشن بینی و علاقه به پیشرفت صنایع خصوصی مبالغ قابل ملاحظه ای بصندوق سرمایه اختصاص داده است که بانک توسعه صنعتی میتواند برای هر طرح صنعتی که کمترین سرمایه دارد مبلغ قابل توجهی از آن محل برداشت کند... سازمان برنامه هیچ وجه در اجراء و اداره طرحها دخالت نکرده و تنها شرطی که گذاشته اینست که یک طرح سالم صنعتی برای تصویب بآن سازمان ارسال گردد و بعد از آن هم گزارش پیشرفت طرح مرتباً بآن سازمان فرستاده شود. باین ترتیب سازمان برنامه حد اکثر کمک را با حد اقل دخالت در مورد صنایع خصوصی مبدول میدارد».

بقیه اعلامیه کمته مرکزی حزب توده ایران از صفحه ۳

در خاتمه این مقاله باز خود متذکر میشوید که :

تمام کوشش ما باید در راه تأمین تحکیم وحدت حزب معروض گردد. البته این امری نیست که ظرف امروز و فردا با یک عمل معجزه‌آسا تحقق پذیرد. بهترین راه نیل بدین منظور پیروی از اصول و موازین حزبی است. البته این بیان معنی نیست که از مبارزه درون حزبی باید چشم پوشید. مبارزه درون حزبی سرچشمه تکامل و پیشرفت حزب است. این بیان معنی است که مبارزه درون حزبی باید با مراعات اصول حزبی و هدفش تحکیم وحدت و بهبود وضع حزب باشد.

بزحمت میتوان باور کرد که نویسنده این عبارات ودارنده این نظریات همان رفیق فروتنی است که نامه ۱۷ کتبی را امضاء نموده و در آن نه تنها تصمیمات رهبری حزب را از کمته مرکزی گرفته تا بوروی منتخب آن مخدوش و غیر قابل قبول دانسته است بلکه رسماً اعلام نموده که خود راساً برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمانهای آن « مبارزه خواهد کرد ».

رفقای سگانه بهر دلیلی هم که متوسل شوند نمیتوانند تناقض واقعی منطقی بین گفته های گذشته و اعمال کنونی خود را مستور دارند. همین تناقض منطقی میتواند نادرستی و غیر اصولی بودن روش انشعابگرایان این رفق را نشان دهد.

انشعابون با مغز خود نمی اندیشند

در اسناد منتشره از طرف انشعابون و از آنجمله اعلامیه ای که در عین حال دارای دو تاریخ تیرماه و شهریور ماه ۱۳۴۴ است همه جادوی میکنند که با مغز خود میاندیشند و حزب را مهم میپارزند که مستقلانه اندیشه و عمل نمیکند. هدف از این اتهام است که حزب توده ایران را بقصدان استقلال فکری و سازمانی متهم گردانند و خود را علمدار چنین استقلالی اعلام نمایند. صرف نظر از اینکه این اتهام از زرادخانه دشمنان کمونیسم بقرض گرفته شده و بارها خود انشعابون علیه آن قلمفرسائی کرده‌اند و از استقلال فکری و عمل حزب دفاع نموده‌اند. تکرار این کلام در اعلامیه های انشعابی برای آنست که خود را مستقل ملی و مبتکر جلوه گر نمایند و وابستگی خود را به یکن مستور دارند. علت آنکه در اعلامیه اخیر خود که اواسط آذر ماه منتشر شده انشعابون در عین حال دو تاریخ تیر ماه و شهریور ماه را گذاشته اند برای مخفی کردن این واقعیت است که عمل انشعابی آنها با دستور صادره از یکن مغز بوده است. مدتهاست که رهبری حزب کمونیست چین در تدارک ایده ای و سازمانی انشعاب است و سرانجام این نیت بشکل علنی در روزنامه «ژن مین ژیبائو» در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۶۵ (۲۱ آبان ۱۳۴۴) (روزنامه مجله «خونستی») ضمن سرمقاله ای تحت عنوان «وحدت عمل رهبری جدید حزب کمونیست شوروی» افشاء شده است. از جمله در این مقاله نوشته شده است :

« اکنون وظیفه احزاب مارکسیست - لنینیست عبارت است از کشیدن خط روشن تمایز در زمینه سیاسی و سازمانی بین خود و ریزبونیستها که به امپریالیسم امریکا خدمت میکنند، نیز: « برای مارکسیستها - لنینیستها راه دیگری باقی نماند جز گسستن پیوند با گروههای ریزبونیست. ایجاد و بسط احزاب و سازمانهای انقلابی واقعی مارکسیست - لنینیست به امری اجتناب ناپذیر بدل میشود ».

موازی با همین ایام انشعابون برای خروج خود از کشور اقدامگاه وارد شدند و اعلامیه های اول و دوم انشعابی خود را منتشر کردند و در این اعلامیه ها آنها نیز شعار با مغز خود اندیشیدن را قراوش کرده چند بار عین عبارت ژن مین ژیبائو را تکرار کردند که برای آنها نیز دیگر راهی بجز انشعاب باقی نمانده است! بدیهی است که انشعابون در اعلامیه های خود از تصریح نام حزب کمونیست چین و از افشاء وابستگی خود به یکن احتراز میکنند و اتفاقاً این احتراز آنها را بیشتر فاش میکند و از ادعای با مغز خود اندیشیدن و مستقلانه عمل کردن چیزی باقی نمیگذارد. روزنامه اومانیه چندی پیش بسیار خوب نوشت که پس از مقاله منتشره در روزنامه ژن مین ژیبائو دیگر همه چیز کاملاً روشن است و اگر گروههای کوچکی در فرانسه تشکیل شود معلوم است که چیزی جز عمال یکن نیستند. ما بنوبه خود نمیتوانیم چنین گروههایی تا چه اندازه ذیحق اند خود را ملی و مستقل بنامند

و همان حزبی را که تا دیروز از استقلال فکر و عمل آن مدافعه مینموده اند « حزبی غیر مستقل معرفی نمایند و اعلام دارند که حزب توده ایران نه فقط عمل مستقل نمیکند بلکه حتی با اندیشه و عمل مستقل افراد خود نیز مخالفت میورزد و با مغز دیگران میاندیشد. یکی از افراد انشعابی عباس سقائی در مقاله خود تحت عنوان « انترناسیونالیسم پرولتاری و میهن پرستی حزب ما » در شماره ۲ سال اول مجله دنیا ۱۳۳۹ چنین مینویسد :

« سفسطه در مفهوم انترناسیونالیسم پرولتاری احزاب طراز نوین طبقه کارگر و از آنجمله حزب توده ایران نفی جنبه ملی و انکار خصیصه میهن پرستانه حزب ما در نقطه مرکزی تبلیقات دشمن قرار دارد. ... حقائق خود گویاست ترکیب طبقاتی حزب ما میهن پرستی آنرا قویاً ایجاب میکند. آن سازمان وسیع و عظیم حزبی که دشمن فقط بزور داغ و درفش شکنجه و اعدام توانست آنرا بطور موقت محدود سازد، نشانه بارزی از این واقعیت است که حزب ما برای انجام وظائف خطیر خود بوسیله تیزین طبقات و قشر ها و نیرو های ملی میهن ما متکی است. شعار های عملی مبارزه که حزب ما هم اکنون برای تشکیل جبهه واحد ملی و بمنظور قطع ریشه امپریالیسم و استعمار و برای طرد خانئین از میهن ما به نیروی های ملی کشور ارائه نموده و وظائفی که حزب ما در راه تحقق این شعارها تعهد میگیرد الهام بخشی جز نیروی عمیق ایمان و اعتقاد وی به میهن و میهن پرستی نمیتواند داشته باشد. »

جالب است که چنانکه تاکنون از گفته های انشعابون معلوم میشود آنان میکوشند سازمان انشعابی خود را تحت نام « حزب توده ایران » احیاء کنند. خود این عمل اعتراف به اعتبار عظیم سیاسی و اجتماعی و معنوی حزب توده ایران در جامعه ایران است. این نصیب نام که دیگران هم آنرا بدون موفقیت امتحان کردند نشانه آنست که حزب ما علیرغم ناکامیها و نواقصی که مسلماً دارد و هرگز آنرا نبوشانیده است بهترین مظهر آمال و معنویات اصیل مردم و نماینده روح انقلابی اوست. انشعابون که با مغز رهبران حزب کمونیست چین میاندیشند و میخواهند با نام غصب شده از سازمان براعتبار دیگری جریان ایجاد کنند. از همان ابتدا در موضع معیوبی قرار دارند: با فکر غریبه و اسم غریبه نمیتوان تم از استقلال بود.

موفقیکه در ایران ارتجاع هار حاکم بر اوضاع است و امپریالیسم بدست هیئت حاکمه ریشه انقلاب و دموکراسی را باخشم و غضب میکند و سازمانهای ملی و دموکراتیک تحت تعقیب وحشیانه سازمان امنیت قرار دارند و حزب توده ایران دچار انواع مشکلات است و باتلاقی فراوان سبی دارد چراغ نهضت کارگری را در ایران روشن نگاهدارد. آیا به عمل انشعاب از طرف عدما از اعتیاد حزب و تنبلی این عمل از طرف حزب کمونیست چین چه اسمی میتوان گذاشت؟ کوچکترین تردیدی نیست که این عمل بسود زحمتکشان و مردم ایران نیست. این عمل بطور عینی بسود دشمنان سوگند خورده ماست و آنها را خوشحال و راضی میکند. این عمل ایجاد تفرقه در حزب طبقه کارگر و منشعب کردن این حزب است.

حزب ما در تاریخ طولانی خود خودا دمی از این قبیل کم ندیده است. جریان اولین انشعاب از حزب نشان داد که این حزب قادر است باتکاه صحت مواضع اصولی خود و اعتبار خود در نزد توده های مردم و صحت مشی انترناسیونالیستی و مبارزه مبتکرانه خود نه فقط موجودیت خود را از خطر نجات دهد بلکه آنرا تحکیم بخشد. از آن ایام بید حزب ما حوادث بسیاری را از سر گذرانده و موجب تر و آبدیده تر شده است. اکنون حزب میتواند با بصارت بیشتری برای دفاع از موجودیت خود در مقابل انشعاب جدید عمل کند. تردیدی نیست که بخطر انشعابی جدید در نهضت کارگری و کمونیستی جهان و از آنجمله در نهضت ما نباید کم بها داد ولی خط مشی دکماتیک و ماجراجویانه رهبران چین و پروان ایرانی آنها به صخره محکم واقعیت بر خواهد خورد و سرنوشت این خط مشی بعلم نادرستی اصولی آن سر انجام چیز دیگری جز ناکامی نخواهد بود. تردیدی نیست که رفقای حزبی همه مانند یکن واحد برای دفاع از موجودیت حزب در برابر انشعابون برخوانند خواست و با عزم و قاطعیت مبارزه خواهند کرد. حزب ما حزبی است که در آن پیوسته اظهار نظر و مستقلانه و مبتکرانه افراد حزب در چارچوب مراعات جبهات بین المللی و موازین حزبی مجاز بوده است و به همین جهت در حزب ما تضاد نظریات و افکار آزادانه یک امر عادی است. ولی افراد حزب ما پیوسته در مقابل خطری که موجودیت حزب و مصالح عالی آنرا تهدید کند و در برابر خواستها و وظائف اساسی حزب با اتحاد کامل و با همبستگی انقلابی عمل کرده اند و میکنند. این یکی از پیشین پر ارزش حزب ماست. حال وقت آنست که همه رفقای حزبی هرگونه اختلاف نظریه و سلیقه را در برابر حزب در ایران و خارج از ایران کنار گذارند و در زیر پرچم حزب و رهبری آن برای دفاع از حزب توده ایران در برابر انشعابون و خط مشی دکماتیک و ماجراجویانه آنها پیش از پیش صفوف خود را تقفاده کنند. این امر برای تکامل نهضت جهانی کمونیسم ما دارای اهمیت اصولی و حیاتی است. ما اطمینان داریم که علیرغم دشواریها موفقیت نهایی از آن سازمان پرافتخار حزب توده ایران است. کمته مرکزی حزب توده ایران

آذر ماه ۱۳۴۴

بقیه از صفحه ۴

حال به بنیم این « طرحهای سالم صنعتی » که با سرمایه سازمان برنامه بواقع اجرا گذارده میشود چگونه اند. غولی که بر صنایع ایران حکمروا میشود

مطبوعات ایران ضمن توصیف بانک توسعه صنعتی و معدنی مینویسند که هدف اولیه آن رشد صنایع خصوصی در ایران و تشویق سرمایه داران ایرانی و خارجی به سرمایه گذاری در صنایع خصوصی ایران است. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران از بدو تأسیس تا فروردین ۱۳۴۴ جمعا مبلغ ۳۲۶۲ میلیون ریال صرف پرداخت وام و سرمایه گذاری نموده است. اگر در سال ۱۳۴۲ مجموع وام پرداختی و سرمایه گذاری بانک ۶۵۸ میلیون ریال بود، در سال ۱۳۴۳ این رقم به

۱۰۸۸ میلیون ریال افزایش یافت. اکثر مبالغ مذکور از جانب خود بانک سرمایه گذاری شده است. وامیکه بانک بمؤسسات خصوصی واگذار نموده اکثراً صرف توسعه و تکمیل صنایع موجود گردیده و از همه مهمتر اینکه اینگونه وامها نیز بمؤسسات ویژه ای که مورد نظر مؤسین بانک است یعنی مؤسسات صنعتی که در آنها سرمایه های خارجی انترناسیونالیستی بطرفی شرکت دارد پرداخت میشود. مثلاً مؤسساتی چون شرکت سهامی کارخانجات ایران ناسیونال، شرکت سهامی قند اسفهان، شرکت سهامی صنایع زیب، شرکت سهامی کارخانه های صنعتی آزمایش، شرکت سهامی روکش جازول، شرکت سهامی بیج و مهره ایران، شرکت سهامی رادیو تلویزیون ایران، شرکت سهامی بیسکو پرس، شرکت سهامی تولید مصالح ساختمانی خلیج مرکزی و غیره. گردانندگان بانک حتی المقدور از پرداخت وام خود داری میورزند و سعی دارند با تأسیس شرکتهای سهامی صنعتی و یا خرید سهام کارخانه های موجود بتدریج صنایع کشور را قبضه کنند. بدین منظور

مسئولین بانک سیستم غریب، زادر مورد تقاضا کنندگان وام مبتول میدارند. طبق گزارش بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۴۴ بیست و شش فقره وام به بانک ارائه شده است. مدیران بانک نصف آنها را اصولاً قبل مطالعه مشخص ندادند و رد کرده اند. از بقیه ۱۳ تقاضا ۸ فقره را قابل پرداخت تشخیص داده اند که از انهم فقط چهار فقره بمبلغ ۱۶۴ میلیون ریال در سه ماهه اول سال جاری پرداخت شده است. این چهار فقره وام بمؤسساتی از قبیل شرکت سهامی مدار، چاپ و چرم سازی اتومات، شرکت سهامی اتومبیل سازی خاور و شرکت سهامی سرمایهات ایران داده شده است. مهندس شریف امامی رئیس هیئت مدیره بانک در مجمع عمومی سالیانه بانک صریحاً گفت: « با توجه باینکه در آینده تعداد بیشتری شرکتهای بزرگ صنعتی تشکیل خواهد شد، بانک نیز مقدار بیشتری کمکهای مالی خود را بجهت خرید سهام بصنایع خصوصی اعطاء خواهد نمود. بدینسان بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران احتیال دارد رفته رفته بیک انحصار عظیم مالی که بتواند نظارت کامل خود را بر صنایع ایران (اعم از بخش خصوصی و دولتی) گسترش دهد مبدل گردد. باید متذکر شد که هم اکنون بانک نامبرده نقش بزرگی در تعیین خط سیر رشد صنایع کشور و سرنوشت آن ایفا میکند. در نخستین سال فعالیت خود بانک در پنج مؤسسه صنعتی بویژه در صنایعی که مصالح ساختمانی برای مصرف صنایع نفت تولید میکردند سرمایه گذاری کرد. در نتیجه واگذاری دریافت وامها طبقه سازمان برنامه از محل ارزیابی پوشش امنیکتر به صاحبان صنایع داخلی به بانک توسعه صنعتی و معدنی پرداخته بود. این بانک امکان آنرا یافت که بر ۳۱۶ واحد جدید صنعتی با سرمایه ۱۵ میلیارد ریال نظارت کند. در سال ۱۳۴۳ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران شرکت سهامی کارخانه قند تالشوار را بمنظور تأسیس و اداره کارخانجات تولید شکر و محصولات قندی از قندزد و شکر خام و مواد دیگر و اشتغال به امور بازرگانی مربوط به قند و شکر و محصولات قندی

بسوی يك گروه بندی جديد

در خاور میانه

از ۱۷ تا ۲۳ آذر ماه گذشته، ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی، در ایران بود و مذاکراتی در مسائل گوناگون میان دو کشور جریان داشت. در تهران از ملک فیصل پذیرائی شایانی بعمل آمد و در پایان مذاکرات ملک فیصل از شاه دعوت کرد که از عربستان سعودی دیدن کند. شاه این دعوت را قبول کرد. مقارن همین احوال روابط دو کشور ایران و عراق به تیرگی گرایده است و کشته شدن چند تن از اتباع ایران، بر اثر تجاوز مرز داران و هواپیماهای عراقی موجب اعتراض شدید دولت ایران شده است. این حوادث را چگونه باید تحلیل کرد؟ دولت ایران، در مناسبت خود با کشورهای همسایه، از چه سیاستی پیروی میکند؟ سیاست خارجی ایران در مجموعه حوادث خاور میانه چه تأثیر دارد؟

مقامات دولتی ایران میدانند که هدف سیاست خارجی ایران تأمین صلح و امنیت در خاور میانه است و دعوت ملک فیصل نیز ناشی از همین هدف بوده است. ولی آیا واقعاً جریان چنین است؟ آیا واقعاً سیاست ایران در قبال کشورهای عربی همسایه، به تأمین و تحکیم صلح و امنیت در خاور میانه کمک میکند؟ آیا پشت پرده حوادثی که در تهران میگذرد، نطفه دسته بندی مخرب جدیدی در شرف تکوین نیست؟ آنها که حوادث سیاسی خاور میانه را دنبال میکنند، بخوبی میدانند که در این منطقه از جهان از چند سال پیش مبارزه شدیدی بر ضد سیاست های استعماری انگلستان و آمریکا، بمنظور تحکیم استقلال ملی و آزادی کشورهای این ناحیه در جریان است. در این منطقه از جهان کشورهای و دولتهائی هستند که بالعکس از سیاستهای استعماری پیروی میکنند و در کار کشورها و دولت های ضد استعمار و استقلال طلب ایجاد مانع مینمایند. متأسفانه، از سالها پیش کشور ما در زمره کشورهای نوم بشمار میآید. در سال ۱۹۵۵ رژیم ضد ملی و ضددموکراتیک شاه با الحاق به پیمان بغداد نخستین قدم را در راه ضد سیاست بیطرفی سستی ایران برداشت و کشور ما را به ملبه سیاستهای استعماری انگلستان و آمریکا مبدل نمود. در سال ۱۹۵۹ انعقاد قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، قدم دوم در این راه بود. ورود ایران در پیمان بغداد (پیمان مرکزی امروز) و انعقاد قرارداد دو جانبه نه تنها روابط ایران را با کشورهای بزرگ همسایه شمالی، یعنی اتحاد شوروی تیره کرد، بلکه عملاً مانع بزرگی در راه ایجاد مناسبت دوستانه و حسن همجواری با کشورهای عربی که از سیاست بیطرفی و عدم تعهد پیروی میکنند بوجود آورد. از سال ۱۹۵۵ بعد روابط ایران با این کشورها و در نتیجه اول یا جمهوری متحده عرب، روز بروز رو به تیرگی رفته است. ایران مدتهاست که با این کشور روابط سیاسی ندارد. مدتها پیش سفیر کبیر ایران از دمشق نیز احضار شد. روابط ایران با بسیاری از کشورهای دیگر آسیائی و آفریقائی نیز دوستانه نیست. در غالب مجامعی که در سالهای اخیر بشهرت کشورهای آسیائی و آفریقائی تشکیل شده دولت ایران شرکت کرده است، ولی در هیچک از این مجامع نقش مؤثر و برانزده ای که شایسته مقام و موقعیت تاریخی کشور ماست نداشته است. کشورهای مستقل و غیر متعهد آسیا و آفریقا کشور ما را بعنوان سخنگو و دست نشانده سیاست های استعماری انگلستان و آمریکا تلقی میکنند و در حقیقت هم دولت ایران همیشه با اعمال و تصمیمات خود این سوء ظن را تأیید کرده است.

در سالهای اخیر، بر اثر تحولات داخلی و تغییر تناسب قوای بین المللی و یکسلسله عوامل دیگر روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی به بهبودی گرایده است. این موجب خشودی تمام استقلال طلبان و میهن پرستان ایرانی است. ولی روابط با کشورهای همسایه عربی هنوز تیره است و هر روز مظاهری از تشنج و ناراحتی بروز میکند. رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک ایران میکوشد سفر ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی را نمونه ای از کوشش خود برای استقرار مناسبت دوستانه با کشورهای عربی بشمار آورد. ولی متأسفانه در این

در باره وقایع اندونزی

میشوند

وقایع اخیر اندونزی در محافل امپریالیستی ایجاد مسرت و شغف زائد الوصفی نموده است. شناسائی علل این مسرت شیطانی که در بیانات سیاستمداران و در دستور روزنامه های وابسته باین محافل در طرز قیاس از عملیات ارتجاع اندونزی بطور آشکار به چشم میخورد مشکل نیست زیرا اولاً مسئله عبارتست از تعقیب شکنجه و کشتار کمونیست ها و ثانیاً این خوشحالی انعکاس رضایت عمیق این محافل درباره تلاش جبهه واحد ضد امپریالیستی اندونزی است که متعاقب آن امپریالیست ها عقب نشینی این کشور را از مواضع ضد امپریالیستی و ضد استعماری در صحنه سیاست بین المللی بخود نوید میدهند.

وقایعی که از آغاز اکتبر ۱۹۶۵ در اندونزی اتفاق می افتد خوشحالی قبلی امپریالیست ها را مضموم میسازد. چالب توجه ترین مسئله عبارتست از اینکه ارتجاع اندونزی بکمک رهبران با نفوذ ارتش جبهه واحد ملی را که پوزیدنت سوکارنو موجود است متلاشی میسازد شکنجه وحشیانه کمونیست ها که مطبوعات غربی با رضامندی گزارش آنرا میدادند شروع گردید. در اغلب استانهای کشور حزب کمونیست بموجب فرمان ارتش ممنوع گردید. اتحادیه کارگران منحل شد، اتحادیه جوانان و زنان و سایر سازمانهای توده ای غیر قانونی اعلام گردیدند محل حزب و سازمانهای توده ای غارت و ویران گردید. انتشار روزنامه های ارگان آن قدغن شد، کمونیست ها از ادارات دولتی و نیمه دولتی اخراج شدند.

یکی از مهمترین علل وقایع پائیز سال ۱۹۶۵ اندونزی وضع بررسی وضع اقتصادی این کشور روشن میشود. وضع اقتصادی اندونزی در سالهای اخیر دائماً بدتر میشود. تولید صنعتی بخصوص در قسمت دولتی کاهش می یافت. جناح راست بورژوازی که در دستگاه دولتی مواضع مهمی را در دست دارد برای اثبات تر خود مبنی بر عدم سود دهی مؤسسات دولتی و لزوم فروش آن ها به سرمایه داران مانع از اصلاح وضع میشود. فقط ۳۳ درصد از ظرفیت تولیدی صنایع دولتی مورد استفاده بود در حالیکه مؤسسات بنا سرمایه های خارجی در حال رونق و شکفتگی بودند. با تنزل تولید صادرات نیز دچار کساد شد. عدم موازنه بودجه دولتی و کمبود مزمن از تشدید گردید. در سال ۱۹۶۴ کسر بودجه دولتی ۱۳۳ میلیارد و در سال ۱۹۶۶ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد روبیه بود. باین ترتیب دولت ناگزیر مخارج خود را با انتشار اسکناسی تأمین میکرد. پول در ظرف سه سال چهار برابر شد (۱۹۶۲ بر ۱۳۶ میلیارد و ۱۹۶۶ معادل ۶۰۰ میلیارد).

افزایش قیمت ها، کمی کالا، رواج بازار سیاه و ارتشاء و احتکار نتایج این وضع بودند. بار فشار بیش از همه بولوشی زحمتکشان بود. ناراضیانی از دولت و از اوضاع که دائماً افزایش می یافت منجمله به مبارزات خود بخودی برای مزد و عملیاتی برای تضمین سهمیه ناپذیر برنج گردید.

در کشاورزی که امرار معاش ۷۰ درصد از صد اهای وابسته به آن است وضع بهتر از این نبود. اصلاح ارضی هنوز از مراحل ابتدائی خود فراتر نرفته، مالکین و موجرین در اغلب استان ها با حفظ موقعیت خود با استثمار بیرحمانه دهقانان ادامه میدهند. قوانین درباره تقسیم محصول اجرا نمیشوند و در اغلب نقاط دهقانان مجبور به تسلیم ۶۰ تا ۸۰ درصد محصول خود هستند. عصبانیهائی محلی دهقانان بنا نهایت قساوت سرکوب میان کشور ما و سایر کشورهای خاور میانه وجود دارد (از جمله مشکلاتی را که در روابط میان ایران و عراق موجود است) میتوان و باید از راه مذاکرات مستقیم در محیط آرام و خونسردانه و بدون مداخله استعمارگران حل و فصل کرد. ما هوادار سیاست بیطرفی و عدم تهدید برای کشور خود هستیم. در شرایط کنونی خاور میانه این تنها سیاست واقع بینانه است که میتواند استقلال و منافع ملی ما را تأمین کند.

ولی متأسفانه حوادث ماههای اخیر نشان میدهد که رژیم ضد ملی - ضد دموکراتیک شاه در جهت مخالف سیر میکند. بهمین دلیل ما با این سیاست مخالفیم و با آن مبارزه خواهیم کرد.

پوزیدنت سوکارنو اخیراً طی نطقی در مقابل مجلس نمایندگان جواب این سؤال را که چرا در اصلاح این وضع اقدامی بعمل نیامده داده است. او در ضمن نطق خود گفت که در تکامل اقتصادی کشور تحت رهبری او غفلت نشده است. این غفلت از این جهت ناگزیر بوده است که ساختمان سیاسی بر ساختمان اقتصادی ارجحیت داشته و مبنایستی نیز داشته باشد. از توضیح تضاد های داخلی و حل جدی دموکراتیک وظایف و وظائف اقتصادی تحت شعار سیاست (منظور سیاست خارجی است) تمییز کننده همه چیز است. بطور آگاهانه اجترأ شده است. سیاستمداران اندونزی روش خود را بطور رسمی با توضیح مافوق چپ و کاملاً غلط مبنی بر اینکه حل مسائل داخلی اندونزی پس از نابودی کامل امپریالیسم، ممکن است اثبات میگردد. تمرکز بر روی مسائل سیاست خارجی و روشی که در خیلی از مسائل در همین زمینه (مقابل با فدراسیون مالزی، خروج از سازمان ملل متحد وغیره) در پیش گرفته شد به بورژوازی ملی کمک کرد که این مسائل را بهانه قرار داده و افکار عمومی را از عدم استعداد و عدم تمایل خود در حل مسائل داخلی منصرف گرداند.

رهبری اندونزی به هدایت کشور در جهت تکامل انقلابی و ملی - دموکراتیک توجه نکرد زیرا از بر خورد با نیرو های ارتجاعی داخلی واهمه داشت و معتقد بود که گروه های مجتمع در ناز اکرم همگی چه راست و چه چپ در ساختمان سوسیالیسم اندونزی، ذیفعم هستند. تضاد طبقاتی وجود ندارد و دشمن اندونزی فقط (نئو کولونیالیسم و امپریالیسم) است. از آنجا که تضادهای طبقاتی مورد انکار بود، سازش به حساب تکامل کشور و به حساب خلق جای توضیح درباره آنها را میگرفت.

در تابستان ۱۹۶۵ وضع وخیم شد. در اثر ناراضیاتی و فشار توده های مردم برای رهبری اندونزی روشن شد که دیگر قادر نیست با سازش خود رانجات دهد. سوکارنو کورس جدید را اعلام کرد و تصمیمات زیر را برای اجرای فوری اعلام داشت:

- ۱- ملی کردن همه مالکیت های خارجی و منع ایجاد مؤسسات مخاطط اندونزی - خارجی در آینده
- ۲- دولتی کردن مجموع تجارت خارجی
- ۳- مصادره مؤسسات خصوصی و منع خصوصی کردن مؤسسات دولتی
- ۴- ایجاد شوراهای کار با حق کنترل در ات
- ۵- اجرای اصلاح ارضی، که از مدتها قبل تصویب شده بود تا سال ۱۹۶۶
- ۶- مجازات گمرک برای محسکین بدیهی است که اجرائی این تصمیمات منبع تکامل و تقویت اقتصادی کشور بود. ولی عمل اساسی برای اجرای این تصمیمات که در عین اعلام خطر برای ارتجاع بود یعنی تجهیز توده ها انجام نگرفت. ارتجاع که نقشه های خود را در خطر بلا واسطه میدید با اخذ کمک از حامیان خارجی خود (بخصوص از آمریکا) به تشکیل نیرو های خود پرداخت. شوری و زورال ها، مرکز رهبری کننده این نیرو ها از نظر تشکیلاتی گردید.

در اوخر اینتر تصادم نیروها احتیاج به بهانه دیگر داشت. گروه های مترقی بدون اینکه درباره نقشه های ارتجاع اطلاع دقیقی داشته باشند معتقد بودند که بوی کشتار تازه ای به مشام میرسد. (محافل ارتجاعی ارتش در سال ۱۹۶۸ به منظور اینکه بتوانند بیرحمانه علیه حزب کمونیست اندونزی اقدام کنند نیرو های مترقی را بهبهانه های مختلف تحریک میکردند. کادر های رهبری حزب و بیش از ۳۰ هزار عضو حزب در این جریان بقتل رسیدند)

در این اوضاع و احوال در سیام سپتامبر کودتای نظامی سرهنگ اوتونگ اتفاق افتاد. در اولین جلوه گیری این گروه گفته میشد که اقدام به کودتا برای جلوگیری از کودتای ژنرالهای ارتجاعی بکمک سازمان جاسوسی آمریکا، سیاه، که برای اکتبر پیش بینی شده است میباشد. در نتیجه این عمل تصادم مسلحانه بین

پیمروز یاد پیکار عادلانه

نروند؟ ضمناً توسعه تجاوز آمریکا در خاک ویتنام سایر استعمارگران را در مناطق دیگر جهان نیز بظنظار این تجاوزها تشویق خواهد کرد.

امپریالیست های آمریکا و «قانون» متجاوزین همدستان آنان با تمام قوا و قانون خلقهای ستمی دارند جنگ علیه مللی را که بمبارزه در راه استقلال ستمدیده ملی و استقرار سوسیالیسم بر می خیزند عمل مشروع و قانونی جلوه دهند. ولی مال ستمدیده برای این قرون وسطایی پیشری ارزش قابل نیستند. آنها در این زمینه قانون تخطی ناپذیر خود را دارند. بموجب این قانون جنگهایی که بخاطر آزادی ملی انجام میگردد جنگهای عادلانه و بحق است. این جنگها سلاح قانونی ملل ستمدیده و تجلی اراده خلل ناپذیر آنان برای آزادی و خلاصی از یوغ استارتگران اجنبی و دست نشاندهگان داخلی امپریالیست هاست. پیکار مردم ویتنام بپیکار عادلانه است و هدف این پیکار آزاد ساختن جنوب کشور از قید اشغال متجاوزین امریکائی و تأمین وحدت مسالمت آمیز دو قسمت ویتنام است. فقط با توجه به این ها و آمادگی برای تحقق این هدف است که میتوان جنگ ویتنام خاتمه داد.

در استان سال جدید ۱۹۶۶ دستگاه تبلیغات امریکا آمریکا و عبار سر و صدای زیادی در باره باخطاطح و تعرض صلح، امریکادرویتنام راه انداخت. همفری معاون رئیس جمهور امریکا از یکسو و آوول هاریمان فرستاده مخصوص رئیس جمهور امریکا از سوی دیگر به گردش در دنیا پرداختند و سخنرانیهای کاخ سفید چنین جلوه دادند که امریکا واقفاً با استقرار صلح در ویتنام علاقمند است. ولی نحوه عمل زمامداران امریکا در جریان این «تعرض صلح» نشان میدهد که امپریالیستیهای امریکا را به گفتار از صلح در مینمیزد ولی در کردار برای توسعه عملیات جنگی در ویتنام و بسط آن بظنظار لا اوس و کامیوج تدارک می بینند. حتی السوپ مفسر امریکائی که خود از مدافعان جدی سیاست امریکا در ویتنام است ضمن مقاله ای در روزنامه نیویورک هرالد تریبون می نویسد: «هیچکس نمیتواند در مورد عبار واقعی تعرض صلح امیز رئیس جمهور قضاوت کند. السوپ سپس با صراحت بیشتری مطلب را بیان میکند و می پرسد: آیا رئیس جمهور این نیست که ثابت کند برای نیل بصلح هیچ امکانی را نباید بلا استفاده گذاشت و بدینترقی زمینه را برای تشدید مجدد عملیات امریکا در ویتنام هموار سازد؟» هارلان کلیولند نماینده دائم امریکا در ناتو بمخبر روزنامه آلمانی دی ولت در پاریس گفت: «امریکا قصد دارد از متحدین خود طلب کند برای دفاع از ویتنام جنوبی کمک نظامی بنمایند».

ملل جهان دفاع و پشتیبانی همبستگی ملل و پیگیری از اخلاق مبارز ویتنام احزاب کارگری را مایه افتخار و فخریه ملی خود می شمارند. اکثریت قریب بشمام دول کشورهای نو استقلال با پشتیبانی سیاسی و معنوی خود از میهن پرستان ویتنام مراتب همبستگی خود را ابراز میدارند. در میان دول آسیائی و آفریقائی دولتهای معذوبه هستند که مثل دولت ایران در مبارزه عادلانه خلق ویتنام جانب را برزبان امریکائی را میگیرند. در سفر اخیر هاریمان بنهران مجدد رضا شاه و هویدا باشا بزرگی خاص سرسپردگان امپریالیسم پشتیبانی خود را از تجاوز امریکابه ویتنام ابراز داشتند و در کمال گستاخی اعلام کردند که این جمهوری دموکراتیک ویتنام است که گویا بویتنام جنوبی تجاوز میکند. طبیعی است که دولت ایران با اتخاذ این روش ضد ملی فقط خود را بیش از پیش در میان ملل آسیا و آفریقا منقرض میسازد.

احزاب کمونیست و کارگری جهان در صفوف اول جنبش همبستگی با خلق قهرمان ویتنام قرار دارند. مارکسیست - لنینیست ها تجاوز امریکارا شدیداً محکوم میکنند و توده های مردم را برای مبارزه علیه این تجاوز بسیج می نمایند. حزب توده ایران همواره

خلق قهرمان ویتنام

از پیکار عادلانه برادران ویتنامی خود دفاع کرده و میکنند. رادپوی پیکار ایران از ارکان رسمی حزب توده ایران هر روز قسمتی از برنامه های خود را بدفاع از این مبارزه اختصاص میدهد و مردم ایران را به پشتیبانی مجدانه از جنبش آزادیبخش خلق ویتنام دعوت میکند.

کلمه پشتیبانی کشور های سوسیالیستی امپریالیستهای امریکاسمی دارند بجزور اسلحه از رشد جمهوری دموکراتیک ویتنام در راه سوسیالیسم جلو گیری کنند. کشور های سوسیالیستی کمک و تبریکات کشور سوسیالیستی و بتمام خلق ویتنام را وظیفه انترناسیونالیستی و مایه شرف و افتخار خود میدانند و از کمک مردم ویتنام دریغ ندارند. در این میان بنا بصدق خود رهبران جمهوری دموکراتیک ویتنام و نمایندگان جنبه ملی آزادی ویتنام کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی جای مخصوص دارد و اظهارات آنها اغلب در مطبوعات مترقی جهان درج میشود. دانگ کوآنگ من رئیس هیئت نمایندگان دائم جنبه ملی آزادی ویتنام جنوبی در اتحاد شوروی در استان پنجمین سال تشکیل این جنبه در روزنامه برابود ضمن ارزیابی کمکهای حزب کمونیست و دولت و مردم اتحاد شوروی بخلق قهرمان ویتنام چنین نوشته است: «اعضاء هیئت نمایندگی دائم جنبه ملی آزادی ویتنام جنوبی در اتحاد شوروی طی اقامت خود در سرزمین شوروی برادر مظهر روشن احساسات دوستانه و همبستگی خلل ناپذیر بپیکار جویانه دو خلق برادر ویتنام و شوروی را بچشم دیده اند. مردم شوروی از افتخاراتی که حزب کمونیست و دولت شوروی برای پشتیبانی مجدانه و کمک همه جانبه از مبارزه مردم ویتنام علیه تجاوز امپریالیستهای امریکا بعمل میآورند بافتقار پشتیبانی میکنند. جنبش همکامی نیرومند همبستگی با مردم ویتنام در اتحاد شوروی نمودار این حقیقت است... ما اطمینان داریم که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی با خلق ۱۲۰ میلیون نفری شوروی همیشه جانبدار ما خواهند بود».

روز ۱۰ ژانویه قام وان دونگ نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام ضمن نطق خود در دانشکده فنی هانوی گفت: «ما برای ملاقات با نمایندگان حزب کمونیست اتحاد شوروی دولت شوروی و مردم شوروی در اینجا گرد آمده ایم تا مراتب احساسات و محبت و سپاس خود را به اتحاد شوروی - مهد انقلاب اکبر - نخستین کشور سوسیالیسم و کمونیسم ابراز داریم. شور و شوق و سوز انقلابی ما با عواطف ما نسبت بخلق شوروی پیوند ناگسستنی دارد. این عقیده تمام مردم ویتنام و تمام ویتنامی ها است. الکساندر شله بین روز نهم ژانویه ضمن نطق خود در میتینگ بزرگی که اهالی هانوی با تخیار هیئت نمایندگی شوروی ترتیب داده بودند خطاب بانها گفت: «حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق ۱۲۰ میلیون نفری شوروی اقتصاد راسخ دارند که امر خلق شما پرتروز خواهد گردید و وحدت و آزادی و استقلال دموکراسی سراسر ویتنام تأمین خواهد شد... مردم شوروی تمام سنگینی و مصائب و نواب کونی مردم ویتنام را درک میکنند. ما برای عظمت قهرمانی شما در دفاع از میهن حرمی بزرگ قائلیم و بان بدیده تحسین میگیریم. الکساندر شله بین سپس به اعلامیه مصوبه شورای عالی اتحاد شوروی در مورد تقبیح تجاوز امریکابه ویتنام اشاره کرد و گفت: «ما به وحشیان لنین در باره رعایت وظیفه انترناسیونالیستی خود وفاداریم و اتحاد شوروی به پیروی از این وظیفه مردم ویتنام در امر تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک ویتنام و مبارزه علیه تجاوز امپریالیسم مجدانه کمک کرده و خواهد کرد. شله بین از برنامه ۲ ماده ای دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام در باره برقراری صلح در ویتنام پشتیبانی کرد و گفت: «عملیات امریکا در ویتنام نشانه آن نیست که امریکائها آماده اند این برنامه را پایه حل و فصل قرار دهند».

در اعلامیه رسمی اخیر صادره نر هانوی که روز

غولانی که بر صنایع ایران حکمروا میشوند

انها به تیرا رسانده. سرمایه شرکتها مملکتی ۱۵ میلیون ریال خواهد بود که سهام آن بشوچ زیارت تقسیم میشود. خنوق تعاون شرکت ملی نفت ۴۰ میلیون ریال سازمان برنامه ۸۰ گروه خصوصی مناسبتین ۱۵۰ شرکت مالکین تیشاور ۵۰ بنات توسعه صنعتی و معدنی ایران ۴۰ مجله تهران اکونومیست ۵۰ در شماره ۵ مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ خود نوشت: «با این بیکه سازمان برنامه رقم مهمی در این کارخانه سرمایه گذاری کرده است. معذک نماینده سهام ای بانک توسعه صنعتی و معدنی است و بنا بر این سازمان، رأس و منسجم داخلی در اداره آن نخواهد داشت. در واقع هم تراکیب هیئت مؤسسان شرکت که در آن یک نفر نماینده شرکت ملی نفت، یک نفر نماینده سهامداران ملتی، یک نفر نماینده سایر سهامداران خصوصی و دو نفر نماینده بانک توسعه صنعتی و معدنی شرکت دارند نشان میدهد که بانک مزبور فعالیت کامل بر فعالیت شرکت ملی سهامی خواهد داشت».

در اوایل سال جاری بانک توسعه صنعتی و معدنی شرکت سهامی کارخانه نورد نوب آهن را بنیان گذارد. سرمایه شرکت ۵۰ میلیون تومان و سهام آن بشوچ زیر تقسیم شده است: ۱۰ میلیون تومان و سهام آن بشوچ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران ۱۵ درصد شرکت دفاع آلمان ۱۰ درصد شرکت فلیس برابوز امریکائی ۱۰ درصد برآزان رضائی و سایر شرکاء ایرانی ۲۵ درصد بانک توسعه صنعتی و معدنی و شرکت امریکائی آلیش ایندسترال کورپوریشن پروانه تاسیس کارخانه شیشه جام را اخذ نموده اند. شرکتی که بدین منظور تشکیل شده ۱۲ میلیون تومان سرمایه خواهد داشت. کارخانه ۱۰ کیلومتری شمال تفرش ایجاد خواهد شد. تهرانی لاکومونیست ۲۴ مرداد خبر داد که کمپانی انترنشنال پیترو با بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مشغول مذاکره است تا شرکتی مختلط برای سرمایه گذاری در صنایع گندسازای ایران وجود آورد. بلا هفتان مجله جز شماره ۱۰ شهریور خبری منتشر ساخت حاکی از اینکه بزودی صنعتی صنایع لومنیوم امریکا با شرکت بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران همکاری خواهد کرد. اوایل مهر ماه وزارت اقتصاد پروانه کارخانه نورد فولاد را بنام بانک مذکور صادر کرد. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران آمادگی خود را برای شرکت در سرمایه گذاری جهت احداث کارخانه نقد در تفرش کارخانه گندسازای تفرش و کارخانه بنیاز سازی تفرش کارخانه لیمیت ساری مهاباد و غیره اعلام نموده است. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در عمل شد صنایع را در ایران تحت نظارت خود گرفته و آنرا بسوی منافع سهامداران خارجی بانک ایجاد میکند. حقوق میدهد. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران کلیه وامها و اعتباراتی را که چه از طریق دولتی و چه از طریق غیر دولتی بصاحبان صنایع داخلی پرداخت میشود تحت کنترل کامل خود گرفته و از اینراه نیز اراده خود را بر آنها تحمیل مینماید.

۱۲ ژانویه سال جاری در پایان سفر الکساندر شله بین رئیس هیئت نمایندگی شوروی در ویتنام امضاء شده است چند معاهدات. هیئت نمایندگی جمهوری دموکراتیک ویتنام از طرف مردم ویتنام از طرف حزب زحمتکش ویتنام و از طرف دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام بمناسبت کمک بزرگ و ارزنده مردم شوروی و حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی بامر پیشرفت اقتصاد و تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک ویتنام و نیز بمناسبت پشتیبانی نیرومند آنان از مبارزه آزادیبخش مردم ویتنام - مراتب سپاسگزاری خود را ابراز میدارد. همه کشورهای سوسیالیستی و نیز اتحاد جماهیر شوروی و اتحاد جماهیر سوسیالیستی ضرورت وحدت و همکاری با اتحاد جماهیر سوسیالیستی و اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادری اهمیت وانمود میکنند و ادعا میشود که گویا این کشورها و احزاب میکنند مسئله ویتنام را به محاری همکاری با امپریالیسم امریکایی ارجاز تسلط بر جهان ببینانند.

مؤسسه توسعه صنایع چیست؟

در حلسات تبادل نظر بین نمایندگان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت که چهارم مهر ماه ۱۳۴۴ در لندن آغاز گردید رئیس هیئت نمایندگان ایران منوچهر اقبال در سخنرانی افتتاحیه خود از جمله از تشکیل مؤسسه توسعه صنایع را ابراز خوشحالی نمود. این مؤسسه که روزنامه فاینانشال تایمز آنرا «گروپ سزیون» تکامل صنعتی ایران و نماینده تواسط کنسرسیوم بین المللی نفت در ماه مه سال ۱۹۶۵ در تهران بنیاد گرفت. سرمایه این مؤسسه ۲ میلیارد لیره است. منظور گردانندگان کنسرسیوم بین المللی نفت رازان ایجاد مؤسسه توسعه صنایع و روزنامه فاینانشال تایمز در شماره ۲۰ ماه مه سال جاری خود چنین شرح میدهد: «وظیفه گروپ سزیون تکامل صنعتی و رشد تولید در ایران است با همکاری بخش خصوصی و شرکتهای خارجی است. عین این نظر را منوچهر اقبال ۸ مهر ماه ۱۳۴۴ در ضیافت نهار انجمن خاور میانه در لندن تکرار کرد و گفت: «شرکت مزبور هدفش توسعه و پیشرفت پروژه های صنعتی در ایران با همکاری صاحبان صنایع خارجی و سرمایه های خصوصی است. طبعاً وسیله ای جهت صاحبان صنایع خارجی فراهم میکند تا در توسعه ایران که بسود کشور ما و خودشان است شرکت نمایند».

با تاسیس مؤسسه توسعه صنایع از جانب کنسرسیوم بین المللی نفت بروسه تمرکز صنایع داخلی در دست مؤسسات مالی امپریالیستی بیش از پیش تسریع خواهد شد و این یکی از هدفهای گردانندگان کنسرسیوم نفت است تاسیس مؤسسه مذکور میباشد. چندی است که در کشور های غربی صاحبان نفت مسئله بس مهم را که همانا صرف بخشی از سود حاصله از نفت برای سرمایه گذاری در داخل آن کشورها توسط اندکسهای نفق صاحب امتیاز است مطرح نموده اند. گردانندگان کنسرسیوم بین المللی نفت برای متفنی ساختن بزرز چنین مسئله ای در آینده در ایران از هم اکنون ب فکر چاره افتاده و شرکت یا مؤسسه توسعه صنایع را بوجود آوردند. بدینترقی انحصاری عضو گندسازای ایران را بنیان میگذارد که با انتقال برخی از وسائل کمکن در دو و سه مورد تیار صنایع نفت که حمل آن از خارج بمراتب از تولید آن در داخل گرانتر تمام میشود بایران مقادیر زیادی بسود انحصاری خود میبازانند. در صورت فتهان «مؤسسه توسعه صنایع» کنسرسیوم بین المللی نفت مجبور بود تیرا نورد باجداث چنین مؤسسه صنعتی در ایران با سرمایه دیگران تن در دهد که اینهم بسود آنها نمیدود. از سوی دیگر کنسرسیوم بین المللی نفت خواهد توانست مستقیماً بر تعیین راه رشد اقتصادی ایران شرکت جویید. منظور شاه و اووان و انصارش از نزدیک و درامتیستی منافع کمپنر اهدا و قشری از صاحبان صنایع نورسته داخلی با سرمایه انحصاری خارجی توسط بانک توسعه صنعتی و معدنی و مؤسسه توسعه صنایع منسجم با سایر راههای درازی است که در این اکثریت افراد جامعه فاقد پایگاه میباشد.

انتظار داریم بدست نیاید. بقرات میتوان گفت که اکثر رهبری حزب کمونیست چین از رهبر خلق کبیز چین بجای کودتای برای ایجاد انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی در احزاب برادر راه وحدت عمل و از جمله وحدت عمل در چین و کمک اخلاق ویتنام را در پیش میگیرند از بیکار و توسعه ویتنام و از کمکهای کشورهای سوسیالیستی باقی نتایج بمراتب عالیتری بدست میآید. ولی با کمک تأست رهبری حزب کمونیست چین از وحدت عمل پرهیز دارد و بجای وحدت در افتراق میکوشد. در همان حال که خود رهبران جمهوری دموکراتیک ویتنام و نمایندگان جنبه ملی آزادی ویتنام جنوبی برای کمکهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادر ارزش بسزا قائلند روزنامه ژن مین ژیاوو و مجله خوستی و رادپوی یک دانام مطالبی مینویسند و نشر میدهند که در این کمکهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادری اهمیت وانمود میکنند و ادعا میشود که گویا این کشورها و احزاب میکنند مسئله ویتنام را به محاری همکاری با امپریالیسم امریکایی ارجاز تسلط بر جهان ببینانند.

درسی از اتحاد

جلب کند. شاه که با صرف مبالغ هنگفت و از راه اجیر کردن برخی از مطبوعات غربی همیشه میکوشد رنگ مترقی و دموکراتیک رژیم دیکتاتوری و ارتجاعی ایران بدهد، در برابر افکار عمومی جهان بعنوان رژیمی که حتی قوانین ظالمانه خود را هم محترم نمیشمارد رسوا شد. موجی از اعتراض از جانب وسیع ترین محافل بین المللی و شخصیت های برجسته برسر جلادان پاریدن گرفت. دادگاه غیر قانونی حتی براساس اعترافات ناشی از شکنجه متهمین نتوانست اتهامات وارده را ثابت کند. اتهام واغرا به کمونیسم دادستان بیسواد را بصورت مضحکه درآورد. شاه که میخواست حتما چند نفر از متهمین بیگناه را قربانی کند سرانجام نتوانست هیچکدام از آنها را بقتل گاه بفرستد. همه اینها را باید موقفیت نیرو های مترقی و ملی و شکست شاه و چاکرانش دانست. روشن است که این موقفیتها نسبی است. در برابر آن هم که باید بدست آید کم است. ولی با توجه به آنچه که رژیم میخواست بدست آورد، با در نظر گرفتن ترور پالیسی حاکم بر همین ما و دشواریهای عظیمی که در راه مبارزه نیرو های ملی قرار دارد، بهر حال موقفیت است. و این موقفیت قبل از هر چیز ناشی از وحدت عمل نیرو های مترقی و ملی در این مبارزه بوده است.

متهمین خود دارای عقاید گوناگون سیاسی و اجتماعی بودند. نیرو های هوادار آزادی آنها هر کدام پبلی با متهمین در مسائل مسلکی و سیاسی اختلاف عقیده داشتند و دارند. در میان خود این نیروها تفاوت عقاید مسلکی و سیاسی وجود داشت و دارد. ولی هیچکدام از این اختلافات و تفاوتها موجب آن نشد که همه آنها یکدل و یک جان برای نیل به هدف مشترک یعنی آزادی متهمین و افشاء ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران بنا نخرزند و متحدا عمل نکنند. این آموزنده ترین درسی بود که از این مبارزه بدست آمد. این درسی بود که واقعیت زندگی بومه میهن پرستان و مبارزان راه آزادی ایران داد. این حقیقتی بود که بارها حزب ما بیان کرده، ضرورت آنرا اثبات نموده و در راه تحقق آن صادقانه و پابلیکری و با ابتکار و شورتام و با تمام وسائل تبلیغاتی که در دست داشته مبارزه کرده است. این درس از جهت عدم موقفیت کامل نیرو های ملی هم حائز اهمیت و شایان توجه است. اگر رژیم همچنان میتواند بیگناهان را درونند کشت و مردم را بجزم داشتن عقیده خاص محکوم نماید، صرفنظر از وجود ترور پالیسی و ضعف عمومی نهضت، یکی از علل عمده اش پراکندگی نیرو های ضد رژیم است. زندگی بار دیگر ثابت کرد که هدفهای مشترک در بین نیرو های ملی فراوان است، که میتوان و باید علیرغم تفاوت در عقاید مسلکی و سیاسی بتکات مشترک تکیه کرد، که میتوان و باید صادقانه و با عمل متحدا در راه نیل به هدفهای مشترک کوشید. مبارزه در راه آزادی متهمین حادثه کاخ مرمر نشان داد که میتوان و باید وحدت عمل در این زمینه را بمبارزه متحد در راه آزادی همه زندانیان سیاسی کشاند. اتحاد یکباره بدست نمیاورد. برای اتحاد باید مبارزه کرد. اتحاد را باید در زمینه های کوچک عملی ساخت تا بتدریج، با محکم تر شدن پیوندها، اتحادی بزرگتر و استوارتر و پایدارتر و در زمینه های اساسی بوجود آید. مبارزه اخیر نشان داد که نه فقط چنین امکانی وجود دارد، بلکه هنوز بهیچوجه از همه امکانات استفاده نشده است. برای همه آنها که صادقانه در راه آزادی و استقلال میهن ما مبارزه میکنند باید این حقیقت روز بروز مسلم تر شود که هیچ اختلاف عقیده و سلیقه ای نمیتواند و نباید مانع اتحاد آنها برضد رژیمی شود که همه مردم آزاده و میهن پرست ما از تسلط آن رنج میبرند. اتحاد کلید پیروزی است و هر کس که کمترین احساس مسئولیتی در برابر ملت ایران داشته باشد باید از کوشش در این راه دریغ نکند. حزب ما بنوبه خود همچنانکه در گذشته - و از جمله در مبارزه اخیر - نشان داده یکبار مقدس خوردا در این زمینه ادامه خواهد داد و صداقت خود را نه در گفتار بلکه در کردار بمنصه ظهور خواهد گذاشت. باشد که سایر نیرو های ملی نیز از این حادثه برای مبارزات آینده درس لازم را بگیرند.

م. انوشه

در باره وقایع اندونزی

واحد های گارد قصر جمهوری تحت رهبری اوتونگ و سایر واحد های ارتش تحت رهبری ژنرال ناسوسون و ژنرال سوهارتو در گرفت. باوجودیکه رهبری حزب کمونیست اندونزی هرگونه شرکتی را در کودتای سرهنگ اوتونگ تکذیب کرده مدالک ضربه اصلی رهبری ارتش متوجه کمونیست ها گردید. بدیهی است برای توجیه تصفیه حساب خونین در انتشار باصطلاح اسناد و انتساب نقشه های غارتگرانه نسبت به حزب کمونیست و استفاده از همه وسائل برای تحریک افکار عمومی علیه این حزب هیچگونه کوتاهی بعمل نیامد در حالیکه از حزب کمونیست امکان استفاده از هر وسیله ای برای توضیح در برابر مردم سلب شده بود. پرزیدنت سوکارنو بکرات کوشش کرده است که به تعقیب کمونیست ها خاتمه دهد. او خیلی خوب می فهمد که تصفیه جناح چپ بمعنی نابودی جنبه واحدی که خود موجود است می باشد. او که از چرخش اندونزی برانست و اوامه دارد اخیرا در مجلس اعلام کرد: انقلاب اندونزی متمایل به چپ است و در این تمایل نباید تغییری داده شود. هر کسی که کوشش در گرایش انقلاب برآست دارد باید مخالفت مرا به حساب بیاورد. ولی سوکارنو دیگر رهبر مورد شناسائی همه نیست. او حتی نتوانست دوعضو کمونیست کابینه خود را حمایت و حفظ کند.

ارتش قدرت را در دست گرفته است. فرماندهی عالی عملیات ارتش بیا اختیارات نامحدود خود مانوق تملک ارگانهای دولتی قرار دارد. در رهبری سه نفری این فرماندهی ژنرال ناسوسون نقش تعیین کننده را دارد. تمام پست های مهم یا در اختیار ارتشی هاست یا از طرف آن ها کنترل میشود. با رئیس جمهور با شفت و مهربانی رفتار میشود ولی دستورات او اجرا نمیکرد. ارتجاع خود را هنوز بلندآوازه کافی نیرومند نمی بیند که سوکارنو را بیکلی از سر راه بردارد. پیش گوئی اینکه تکامل این کشور عظیم در هفت ماه و ماههای آینده در چه جهتی خواهد بود امر مشکلی است. آنچه که قطعاً میتوان گفت این است که نفع واقعی اندونزی در حفظ سیاست ضد

ره پیداد ها و تفسیر ها

پیروزی صلح در تاشکند

روز دوشنبه دهم دیماه برای مردم هند و پاکستان و مردم صلحدوست در سراسر جهان روز نیکی بود. ملاقات بین شاستری نخست وزیر قیلهند و ایوب خان رئیس جمهوری پاکستان در تاشکند پس از هفت روز مذاکره بر سر مسئله برنجی مانند کشمیر، که صلح آسیا را بخطر انداخته بود، با موقفیت پایان یافت. طرفین تمهد کردند که اختلافات خود را با وسائل مسالمت آمیز حل کنند و روابط عادی و دوستانه بین دو کشور را که مختل شده بود، دوباره مستقر سازند. ملاقات موقفیت آمیز تاشکند از چند جهت حائز اهمیت است. نخست آنکه باریگر حل اختلافات بین دول از راه مسالمت آمیز تأیید شد و سیاست همزیستی مسالمت آمیز صحت و قوت خود را در عمل نشان داد. دوم آنکه محافل تجاوز کار امپریالیستی که میخواستند از این اختلافات برای ادامه جنگ سرد و سیاست جنگ طلبانه خود استفاده کنند با شکست رو برو شدند. سوم آنکه حل این اختلاف با وسائل مسالمت آمیز بین دو کشوری که جمعا ۶۰۰ میلیون جمعیت دارند و از بزرگترین کشورهای آسیا و جهان بشمار میروند، در تحکیم صلح در آسیا وسراسر جهان تاثیر عمیق خواهد داشت. چهارم آنکه نقش اتحاد شوروی که سازمان دهنده و میانجی اصلی در این ملاقات بود، بعنوان منادی صلح و دوستی بین ملتها، بار دیگر باوضوح کامل در برابر دیدگان جهانیان قرار گرفت. در اعلامیه تاشکند گفته میشود که نخست وزیر هند و رئیس جمهوری پاکستان تشکرات عمیق خود را برجل دولتی و رهبران دولت شوروی و شخص نخست وزیر اتحاد شوروی بمناسبت نقش خلاق، دوستانه و شرافتمندانه آنها در سازمان دادن این ملاقات، که به نتایج رضایت بخش برای طرفین منجر شده است، ابراز میدارند. در این جملات ساده ولی

پیروز بادیکار عادلانه خلق قهرمان ویتنام

طبیعی است که وقتی افراد ارزباییهای نمایندگان مردم ویتنام را میخواند و آنرا با چنین فتوائی مقایسه میکنند و ضمنا با کمال حیرت اطلاع حاصل میکنند که مقامات دولت جمهوری توده ای چین بانواع بهانه ها حمل اسلحه و مهمات ارسالی اتحاد شوروی به ویتنام را بتأخیر میاندازند بهیچوجه نمیتوانند خود را از تأثیر بسیار نامطوبی که این قبیل فتوا ها ناگزیر در هر انسان عاری از شائبه غرض می بخشد مصون نگاهدارند. تعریف حقیقت در این مورد نه تنها بزبان خود تحریف کننده بلکه بزبان مبارزه مردم ویتنام نیز تمام میشود.

امروز چگونگی موضع گیری در مسئله حیاتی خطیری چون مسئله ویتنام و تأمین وحدت عمل تمام کشورهای سوسیالیستی و کلیه نیرو های ضد امپریالیستی برای کمک مؤثر بخلق ویتنام معیار مهم وفاداری بامر انقلاب و آزادی ملل و مبارزه واقعی در کردار و نه در گفتار علیه امپریالیسم است.

پیروز بادیکار عادلانه خلق قهرمان ویتنام!

هموطنان عزیز!

به این آدرس با رادیوی یک ایران مکاتبه کنید.

Dr. John Takman
Olvikragen 170,
Bromma
Stockholm, Suède

امپریالیستی است. درباره گروه های حاکمه فعلی نیز نمیتوان از هم اکنون در باره نفع آن ها در یک جهت گیری بنفع غرب سخن گفت ولی کوشش دول امپریالیستی را برای نفوذ در تعیین سیاست خارجی کشور و تقویت مواضع اقتصادی خود نیز نمیتوان نادیده گرفت.

تقویم مردم

دی ماه

۱۰ دی ۱۳۲۶

گروه خلیل ملکی از حزب توده ایران انشعاب نمود. این انشعاب نه تنها موجب تضعیف حزب نشد، بلکه صفوف حزب را مستحکمتر از پیش نمود. تاریخ حزب ما نشان داده است که هرگز توطئه ای علیه موجودیت حزب ما شمر نرسیده است.

۱۶ دی ۱۳۳۸

نما یوشیچ شاعر نوآور ایرانی بدرود حیات گفت، نما از آغاز جوانی با اندیشه های انقلابی آشنا شد و با آنکه در صحنه سیاست فعال نبود قریحه شاعرانه خود را در خدمت آرمانهای خلق گماشته بود. وی پس از سقوط رضا شاه و پیدایش برخی امکانات دموکراتیک همکاری خود را با جراند و مجلات مترقی آغاز کرد و نشر بعضی از اشعار او که از جهت مضمون بدیع و گیرا و از جهت شکل جهورانه بود نیما را بمرم رساند.

۲۰ دی ۱۳۳۸

تظاهرات دانش آموزان تهران در روز ۲۰ دی سال ۱۳۳۸ نشان گویائی از خشم مردم علیه رژیم کودتا بود. آنروز مردم تهران بعلامت همدردی با دانش آموزان گروه گروه به تظاهر کنندگان پیوستند. دولت دست نشانده اقبال دانش آموزان را به گلوله بست و در نتیجه یک دانش آموز بنام مهدی کلهر به قتل رسید و عده ای زخمی شدند. بیش از ۲۰۰ نفر از دانش آموزان بدست ماوران انتظامی دستگیر شدند.

قطعه نامه اقتصادی لزوم انجام اصلاحات ارضی، ملی کردن بانکها و بازرگانی خارجی را در کشور های سه قاره تأکید نموده و برنامه کمک، کشورهای امپریالیستی بعنوان بکنوع فشار نفو کاشنیالیستی محکوم شده است.

اعضاء کفرانس در میان شور و هیجان فوق العاده تصمیمات اعلامیه عمومی، و مصراحت و مطالبات قطعه نامه ویتنام را تأیید نمودند.

در جشنی که بمناسبت پایان کفرانس در تارتو و چابلین، برپا شد فیدل کاسترو نخست وزیر کوبا تشکیل این کفرانس را بعنوان یک واقعه تاریخی در مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان قلمداد نمود. وی ایجاد سازمان همبستگی خفاهی سه قاره، سازمان دانش مبارزه مشترک علیه جنگ تجاوزکارانه امریکا در ویتنام و تشکیل کمیته ای برای حمایت و کمک به جنبش های آزادی ملی و مبارزه علیه استعمار و استعمارون، را بعنوان مهمترین ثمره فعالیت ۱۳ روزه کفرانس ارزیابی نمود.

دومین کفرانس سه قاره در حال ۱۹۶۸ در شهر قاهره تشکیل خواهد شد. ما در شماره آینده روزنامه مردم درباره این کفرانس و فعالیت نمایندگان نیرو های ضد استعمار ایران که در این کفرانس حضور داشته اند به تفصیل خواهیم نوشت.

تلگراف تبریک حزب کمونیست فرانسه

به زندان سیاسی ایران

۳۰ دسامبر ۱۹۶۵

بوسیله کمیته مرکزی حزب توده ایران، زندانیان سیاسی ایران! رفقای عزیز! بمناسبت سال نو با احساسات بردارانه، همبستگی خود را بشما ابلاغ میکنیم آزادی و سلامتی و آزادی شما را داریم. دیر حزب کمونیست فرانسه گاستون پلیسیه